

کارگران جهان متحد شوید!

۱۱۸

# سکار

مؤلفان بیگلو در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۶۰ - بهار ۷۰۰۰

کتابخانه ایرانی  
Deutsche Bibliothek in Hannover

انقلاب پرشکوه  
کارگران و زحمتکشان ایران  
رژیم جمهوری اسلامی رابه  
گورستان تاریخ خواهد سپرد!

طی دو ماه و نیم اخیر:  
**حدود ۱۰۰۰ کمونیست و انقلابی  
توسط رژیم جلاد  
جمهوری اسلامی تیرباران شدند!**

**انفجار در نخست وزیری،  
وضع زبونی  
رژیم خمینی!**

اسفند یک بمب در دفتر نخست  
وزیری در هفته گذشته که منجر به  
کشته شدن سران طراز اول رژیم  
ارتجاعی حاکم (یعنی رجائی و  
باهنر) گردید و نیز چند روز پس از آن  
یک بمب در مرکز "دادستانی انقلاب  
اسلامی" که قدوسی جلاد رابه دیوار  
نیستی رهسپار کرد با رده بگر ضعف و  
زبونی رژیم و وضع رقت با روآشفته  
درونی آن را در برابر دیدگان همه  
بطور آشکار نمایان ساخت. سیستم  
امنیتی "۳۶ میلیونی" رژیم هم  
نیوانت برای اوکاری انجام دهد  
و علیرغم آنکه رژیم حادده ۷ سیر  
انفجار مقرر حزب) و تجربه نفوذ در  
ارمانها پیش را آزموده بود، و این  
آزمایش را به بهای معدوم شدن بیش  
از ۷۰ تن از رهبران منقرض انجام  
داده بود، در دو حادثه پیاپی و  
علیرغم تمام اقدامات امنیتی اش،  
این تجربه را به بهای سنگین  
دیگری تکرار نمود! دیگر آشکارا است  
که رژیم حتی در مطمئن ترین و  
مناظرت شده ترین مراکز خود نیز از  
دست مخالفین و نیروهای انقلابی  
درمان نیست. "گروهکها" و "مگس"  
ها (نامی که خمینی در یکی از  
سخنرانی هایش بر نیروهای انقلابی  
بهاد) ، علیرغم آنکه در حال زوال و  
سایودی هستند، اما سران رژیم را  
که در حصار قهوری از محافظین مسلح  
سقیه در صفحه ۲

**دموکراسی انقلابی یا دموکراسی  
بورژوازی ضد انقلابی! (۱)**  
نگاهی به "متن میثاق شورای ملی مقاومت"  
در صفحه ۱۰

**حمایت کارگران  
از شورای منتخب  
خود توطئه  
مزدوران رژیم را  
خشنی کرد**  
در صفحه ۳

**رهنمود به رفقای هوادار سازمان  
درباره سازماندهی و وظایف هسته های وابسته**

رفقا! هم اکنون در وضعیت  
سیاسی ویژه ای بسر میبریم. رژیم  
جمهوری اسلامی بدنیاال رانده شدن  
لیبرالها از قدرت سیاسی و قرار  
گرفتن کلیه مواضع کلیدی قدرت  
در دست حزب رسوای جمهوری اسلامی  
بیش از پیش بر سرکوب جنبش توده-  
ای و نیروهای سیاسی کمونیست و  
انقلابی افزوده و هم اکنون روزی  
نیست که در گوشه و کنار کشور دهها  
کمونیست و انقلابی توسط کمیته ها  
و سپاه سداران دستگیر و روانه  
شکنجه گاههای رژیم حاکم نشوند و باز  
روزی نیست که بیدادکاههای

جمهوری اسلامی، در کوتا هترین  
فاصله حکم اعدام بهترین فرزندان  
انقلابی خلق را در تهران و شهرستانها  
ما درنگ کرده و آنها را به جوخه های  
اعدام نسپارند. و این در حالی است  
که بحران اقتصادی و فقر و فلاکت و  
گرانی و تورم، به نحو روزافزونی  
کلوی کارگران و زحمتکشان را می-  
فشارد و آنها را بطور روزافزون در  
مقابل رژیم جمهوری اسلامی که در  
گذشته نسبت به آن دحارنوم و خوش  
بآوری بودند، قرار میدهد.

بقیه در صفحه ۵

**سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی**

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله ۰۰۰  
محمور گشته اند، در خانه و محصل  
کارشان نیز آرام نمی گذارند!  
رژیم جمهوری اسلامی عاجز و ناتوان  
نظاره گرنا بودی یک به یک رهبران  
وسران منفور خویش است بی آنکه  
قدرت مقابله و جلوگیری از آن را  
داشته باشد، تنها کاری که در مقابل  
انجام میدهد، کشتار بی رحمانه  
و قتل عام، انقلابیون و مردم سیری  
است که در جنگال های خونین  
زندانی های قرون وسطائی اش بسه  
اسارت درآمده اند.

تردیدی نیست که این ترور -  
های انقلابی، ضربات جبران ناپذیری  
بر پیکر خدا انقلاب حاکم وارد آورده و  
وارد می آورد. بویژه اگر توجه کنیم  
که از یک سو رژیم شرایط متعارف یک  
حکومت با ثبات و تثبیت شده را  
ندارد و از همین رو ضربات فوق رادر  
شرایطی متحمل میشود، که بصیران  
اقتصادی و ورشکستگی رژیم در این  
عرصه بیداد میکنند و بحران سیاسی و  
نابسامانی درونی رژیم فوق العاده  
تشدید یافته است و از طرف دیگر،  
این عملیات در سطح بسیار وسیعی  
جریان دارد و مشا بهت چندان بی  
عملیات و تروریک گروه انقلابی  
محدود ندارد. در حال حاضر رژیم در  
تمام سطوح خود، و در مقیاس سراسر  
ایران در معرض ضربه های نظامی  
قرار دارد و در برابر امواج بی سابقه  
- ترین و کم نظیرترین ترورها و  
عملیات مسلحانه قرار گرفته است.  
با توجه به این ویژگی ها است  
که تا ثیرات ترورها و عملیات نظامی  
فوق الذکر در تعقیف درونی رژیم  
فوق العاده بیشتر میشود.

از لحاظ تشکیلاتی، پس  
ضربات، نه تنها رژیم را از کارهای  
مغرب و هدا یتگر خویش در بالا محروم  
میسازد، (و این در حالی است که  
رژیم بشدت از لحاظ کارهای محرب  
و مطلوب خویش در مضیقه قرار دارد)  
بلکه در ارگانهای سرکوب و اداری-  
اش نیز، که ابزار اساسی حاکمیت و  
اقتدارش میباشد پراکنندگی،  
انهدام، و تشتت ایجاد میکند. در  
مورد اولی مسئله روشن است و  
نیازی به توضیح نیست، از دست  
رفتن عناصری نظیر بهشتی، رجائی،  
یا هنر، قدوسی، آیت و... بهمنی  
کسانی که یا از طراحان و خست  
دهندگان رژیم بودند (نظیر بهشتی  
و آیت) و یا کارکنان "معتبر" و  
اجرائی رژیم (نظیر رجائی، با هنر و  
قدوسی)، در مورد دوم نیز با توجه  
به بی اعتمادی فراوانی که ضربات

وارد در "بالا" در درون رژیم و در  
ارگانها پیش ایجاد میکنند، و با توجه  
به اینکه این ارگانها و عناصر  
متشکله در پایه های آن (سپاه،  
ارتش، شهربانی، بسیج و فیلانهای  
حرفه ای) مستقیما خود را در معرض  
ضربات و ترورهای می بینند که  
رژیم نیز با ناتوانی تمام قادر به  
مهاز کردن آنها و تا سنین شرایط  
حفاظت آنها نیست، بی تردید،  
انسجام درونی ارگانهای رژیم  
دستخوش تزلزل فراوان میگردد.  
شواهد نیز بسیار این مسئله است،  
اخیرا پراکنده مربوط افزایش  
درجه استعفا و فرار از ارگانهای  
سپاه و... پراکنده شدن سز دوران  
رژیم- فیلانهای حرفه ای در بسیج  
و یا خارج از آن - از ترس جان  
خویش تن دادن پرمثل شهربانی  
به سیاست های سرکوب هیات ها که  
حزبی، تشتت در بدنه ارتش، که در  
اخیرا جنبه های جنگ به خویشی  
مشهود است، و... نشانه های  
است. این امر حتی به جانی رسیده  
است رژیم (مطابق اخبار موسیقی که  
از درون آن بدست ما رسیده است)  
از تا سنین تعداد لازم محافظین مسلح  
از ارگانهای سپاه و کمیته و بسیج  
برای حفاظت از آن بهره های خود  
ناتوان است. طبق خبر دیگری فقط  
در سپاه پاسداران شهران تعدادی  
بیش از ۱۰۰ نفر از سپاهیان دست  
به استعفا زده اند. و یا در کوردستان  
مطابق خبری در همین روزهای اخیر  
تعداد دبیش از بیست نفر از جاسوهای  
مزدور رژیم در کردستان (که تحت  
نام "مباح" پیشورگان مسلمان  
کرد "فعالیت میکنند) به نیروهای  
جنبش مقاومت متعلق کرد خود را تسلیم  
کرده اند. حتی وضع بگونه ای است  
که رژیم در جا بگریزی عناصر جدیدی  
در سطوح رهبری خود بجای عناصر  
معدوم شده دچار دشواری گشته است.  
بمعنای مثال عناصر سررتجعی چون  
موسی زرگر، وزیر پیشین بهداشتی،  
حاضر به پذیرفتن این پستی در  
کابینه جدید نگرديد و این نیز هیچ  
انگیزه ای جز ترس از جان و بیسی -  
اعتمادی نسبت به وضعیت و آینده  
رژیم نمی تواند باشد.  
این اخبار و گزارشات پراکنده  
که تنها گوشه ای از واقعیت های  
درونی رژیم جمهوری اسلامی را  
نمایان میسازد، بروشنی نشان  
میدهد که خدا انقلاب حاکم در چینه  
موقعیت خطرناک و نابسامانی  
قرار گرفته است. طبیعتی است که  
این وضع اساسا انعکاس اوضاع

عمومی جامعه، بحران اقتصادی  
عمیق، بحران سیاسی فراگیر، درجه  
رشدت فداها و پتانسیل انقلابی  
جنبش و... است. و در متن جنبش  
شرایطی است که این ترورها و  
اعدام میتوانند در تشدید اوضاع  
نابسامانی درونی رژیم نقش موثری  
ایفا نمایند.

علاوه بر این ضربات سیاسی و  
روانی ناشی از این ضربات نیز  
با بدسورد تا کید قرار گیرد. ضربه  
خوردن بی درپی رژیم در سه مرکز،  
از مراکز کما ملا حفاظت شده و سطح  
بالای رژیم، اعتبار سیاسی رژیم را  
حتی در حفاظت از نیروهای خود،  
یکلی از میان برده است و همین  
بی اعتباری رژیم را هما نندگردد  
زخم خورده ای به زوزه و ادا کرد  
است. علیرغم تمام تبلیغات مذبحها  
رژیم برای خنثی کردن این اثرات  
اکنون دیگر ناتوانی رژیم در  
مسدود کردن مجاری این ضربه  
رسوای خاص و عا مگشته است. رژیم  
تاکنون نتوانسته است، به کیفیت  
عمل مناسب گزاری در صنعت و زیری و  
دادستانی دست یابد! و این خود  
بر روشنی از هم پاشیدگی سیستم  
امنیتی رژیم و عاجز و ناتوانی آن در  
حفظ حیات رهبران آن و بطلان  
تبلیغات رژیم را عریان میسازد.  
عصاف بر این ها، طبیعتا ثیرات  
این حرکات و عملیات بحران سیاسی  
مستقیما بر بحران اقتصادی و  
افزایش آن موثر واقع میشود که در  
اینجا مجال توضیح بیشتر پیرامون  
آن نیست.

اما اینها یکطرفه قضیه است!  
طرف دیگر تا ثیرات ناشی از عملیات  
ما چرا جوینا نه در جنبه انقلاب است  
اینکه این عملیات بر پیکر ضد  
انقلاب با چنین اوضاع نابسامانی  
درونی اش، ضربه های تضعیف کننده  
وارد می آورد، بخودی خود، بمعنای  
آن نیست که به نفع انقلاب میباشد  
و تا کتیک صحیح و در جهت منافع  
جنبش میباشد.

هر چه بیشتر از عناصر این عملیات  
ما چرا جوینا نه میگردد، پیش از پیش  
خصلت کودتا گرانه و بیگانگی آن با  
تاکتیک های توده ای هدفمند،  
صفتی بیروند جنبی جنبش و تناسب  
قوای موجود با خصلت بسیج کننده و  
سازماندهنده جنبش توده ای، روشن -  
تر میگردد.

این عملیات از ابتدای شکل  
گیری خویش تاکنون نقش مهمی در  
به عقب راندن جنبش اعتراضی  
بقیه در صفحه ۷

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست



# کارگران جاسوسان رژیم را از کارخانه بیرون می کنند

رفیقی گزارش میدهد:  
چندی پیش از طرف وزارت کار یکی از مزدوران کمیته را به شرکت ما معرفی کردند. او پس از استخدام شروع به جاسوسی نمود. او دائماً مزاحم کارگران میشد که شما "فد" "لاب" هستید و با پیدا زایی... شرکت اخراج شوید. او نام ۲۰ نفر از کارگران را هم به مدیرعامل داده و گفته بود که اینها با پیدا خراج شوند. کارگران با تشکر و خشم نسبت به این اقدامات به شورا و مدیریت هشدار دادند که اگر تکلیف این جاسوس را معلوم نکنند خود تصمیم خواهند گرفت. شورا و مدیریت تصمیم به اخراج او نگرفتند. آن جاسوس به کمیته دپوشکا بیت میکند. ما موران کمیته وقتی به کارخانه آمدند و فهمیدند که مشت خود و مزدورشان باز شده، بمشوران اینکه اون قوطی روغن نیابتی ۵ کیلوئی از کمیته دزدیده و به کارگران هر یک قوطی را به ۱۲۰ تومان فروخته بود با خود بردند. به این ترتیب، کارگران مزدوری را که "بدستور" نام به جاسوسی مشغول بود از خانه خود بیرون راندند و اجرات نکرد با زگرد.

## شنیدن سخنان مدیرعامل بازور!

پارس الکتریک: در تاریخ ۶/۶/۶۰ اعلام شد که در ساعت ۳ بعد از ظهر مدیرعامل در رستوران سخنرانی خواهد نمود. کارگران که مدیرعامل را نماندند سرمایه داران و دشمن خود میدانند و از این مرتجع تازه مکتبی شده منفردارند. علاقه ای به شنیدن سخنان او نداشتند. ولی با توجه به جوخفقان مزاحم طرف رستوران رفتند.

نگهبانان مزدور کارخانه بقیه کارگران را که در محوطه کارخانه قدم میزنند با تهدیدیه اینکه "اگر به سالن سرویداستان را مینویسیم کارگران را مجبور کردیم که تا ساعت ۴/۵ پای صحبت مدیرعامل بنشینند. در عرض این مدت درهای رستوران بسته بودند ما داکیسی خارج بشود. اما این شیوه ها مگر تا کی میتواند انجام شود؟

# حمایت کارگران از شورای منتخب خود توطئه مزدوران رژیم را خنثی کرد

در ادامه توطئه ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی که تاکنون منجر به اخراج تعداد دوسیم از کارگران آگاه و پیروان کارخانه ها شده است، از کارخانه فیلیس نیز ۱۰ تن از کارگران را اخراج کردند. شورای کارخانه بنا به خواست بقیه کارگران، در یک جلسه عمومی از مدیریت کارخانه خواست که علت اخراج آن ۱۰ نفر را به همه توضیح دهد. مدیرعامل که یکی از عمال بنیاد "ستفغان" است و بشدت مورد نفرت اکثریت کارگران میباشد، در این باره جز لجن پراکنی و یک مشت حرفهای بی سروته چیز دیگری بر زبان نیاورد. اما کارگران که از موضع ضد کارگری رژیم آگاه بودند مصرا نه خواستار توضیح گردیدند و حمایت قاطع خود را از شورا اعلام نمودند. کارگران با تأیید سخنان سخنگوی شورا مشت محکمی برده ان مدیرعامل و اربابانش زدند. مدیریت که وجود شورا را چون خاری در چشم خود می دانست تصمیم به اخراج اعضای شورا گرفت و دستور داد که از ورود اعضای شورا به کارخانه جلوگیری شود. اما اعضای شورا خواستار حکم کتبی اخراج خود میکردند و چون این حکم آماده نبود به داخل کارخانه می آیند و کارگران را در جریان توطئه اخراج خود میگذارند. بیشتر کارگران به حمایت از اعضای شورا برخیزند و این توطئه کثیف را محکوم میکنند. مدیریت کارخانه

فورا حکم اخراج را به اعضای شورا ابلاغ میکند و از آنها میخواهد که کارخانه را ترک کنند. ما لایحه ۴ تن کارگر عضو شورای کارگران را بیرون آورده به دست نگهبانی کارخانه میروند. کارگران ابتدا در دستهای کوچک سپس بطور دسته جمعی مانع خروج اعضای شورای خود از کارخانه میشوند و دوباره آنها را به سرکار برمیگردانند.

کارگران مرتباً میگفتند: ما شما را انتخاب کرده ایم و ما خواهیم که شما بتوانید بنا به ما باقی بمانید. هرگز از وجود شما ناراحت است خودی بیرون بیرون. حرکت هشیا را به وسعدا نه کارگران جهت بازگرداندن اعضای شورا، مشت محکمی برده ان مدیریت و انجمن اسلامی و دیگر خاستن به طبقه کارگران نواخت. بعد از بارگردانیدن اعضای شورا توسط کارگران، شورا از کارگران برای تشکیل یک مجمع عمومی دعوت بعمل آورد و در این مجمع عمومی به افشای توطئه های مدیریت و کثافتکاریهای آقایان مکتبی (که مزدوران سرمایه داران هستند) پرداخت.

کارگران پیش از پیش به ما هیئت ارتجاعی و مزدورانه پس نوکران سرمایه داری پی بردند و با تأیید کامل شورا اعلام کردند که برای روشن شدن وضع شورا جلسی حاضر هستند که به تعطیلات تا ستانی شوند. اکثریت کارگران با این نظر موافق بودند. هم اکنون کارگران منتظر هستند تا با نما بندگان وزارت کار (در واقع وزارت سرمایه) ملاقات کرده، وقایع را به آنها بگویند که تنها شورای مورد قبول کارگران همان شورا است که چون خاری در چشم سرمایه داران است و بهیچوجه اجازه نخواهند داد که اعضای مزدوران انجمن اسلامی و دیگر سرمایه داران رژیم خود را نماینده کارگران جا بزنند زیرا آنها حزر نماینده سرمایه داران و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیستند.

## تشدید بازرسی بدنی کارگران مانع مبارزه شان نمی شود

پارس الکتریک: از روز اول بعد از تعطیلات، هفت نگهبان مامور شده اند که جلوی درب ورودی کارگران را دقیقاً مورد بازرسی بدنی قرار

# پیش بسوی ایچاد حزب طبقه کارگر



دهند. برای بازرسی بدنی نیز  
اطاق خاصی در نظر گرفته شده است.  
رژیم از این میترسد که علامیهایی  
آگاهی بخش به درون کارخانه راه  
یا بدویا مبارزات خودبخودی  
کارگران پیوند بخورد و طوفان بپا  
شود! اما کارگران مبارزان  
مبارزه خود را میدانند

### اخراج کارگران آگاه و استخدام وابستگان به رژیم

پارس الکتریک: براساس یک  
خبر اول شهریور بنیاد شهید به این  
کارخانه اعلام نموده است که هرگونه  
استخدام جدید یا بدو طریق این  
بنیاد صورت گیرد. چند تن از کارگران  
گفته اند که تاکنون ۳۶ فالانژا عم  
از پاسداروخانه نواده آندان در کارخانه  
استخدام شده اند. هدف از این  
استخدام، همجاسوسی علیه مبارزات  
کارگران است و هم حق الکسکوت  
دادن به کارخانه‌ها و هاشی که فرزند  
انسان قربانی این رژیم شده و در  
جنگ یا درگیری‌ها کشته شده اند.

### رژیم ضد کارگری حاکم نمی‌تواند و نمیخواهد برای کارگران مسکن بسازد

پارس الکتریک: از مدتی  
پیش قرار بود برای کلیه کارگرانی که  
بیش از ۵ سال حق بیمه پرداخت  
نموده اند از طرف بنیاد مسکن  
وامهایی در حدود ۳۰۰۰ هزار تومان  
دا ده شود تا کارگران مزبور  
بتوانند آپارتمانهایی جداگانه  
به مساحت ۸۶ متر مربع خریداری  
نمایند. از حدود ۲۳۰ نفر حاجت  
شرايط ۲۰۰ نفر از آنها فعلا قرار  
شده پروند و در این مورد صحبت کنند  
با این خیال که این کار عملی شود  
اما کارگران آگاه میدانند که  
وعده‌های رژیم ضد کارگری جمهوری  
اسلامی پوک تر از آنست که به وعده  
ها بش بتوان دل بست. سر نوشت  
خانه‌هایی که از فردای قیام بهمین  
وعده ساختنش را دادند و بایت آن  
میلیونها تومان به حساب شماره  
۱۰۰ تا یک مالدات قمر ریخته شدند

وزیر نظر خود خمینی هم بوده تا کنون  
چه شده است؟  
وعده‌های گراف آیت الله  
خوشا هی راجع به دادن مسکن به  
"مستضعفین" چه شد؟ وعده‌ها نموده  
دیگر از وعده‌های سرخرمن که رژیم  
خمینی برای فریب سرده داد.  
کارگران آگاه ما میدانند که "آدم  
عاقل از یک سوراخ دو بار رگزیده  
نمی‌شود! تا همین نان و مسکن و  
آزادی با یکدیگر مربوط است و تنها  
پس از سرنگونی این رژیم ارتجاعی  
و با برقراری جمهوری دمکراتیک  
خلق و سرانجام با تپودی سرمایه  
داری و استقرار سوسیالیسم  
کارگران میتوانند به نیازهای  
واقعی خود دست‌توانای خوبش  
جامعه عمل بپوشانند.

### رژیم کارگرکش با کینه کارگران روبرو است

پارس الکتریک: کارگران که  
پس از تعطیلات به کارخانه آمده  
بودند وقتی از خبر اعلام مچنا بست  
کارخانه ۴ نفر از کارگران زحمتکش  
و آگاه همکار خود مطلع شدند. با کینه  
و اندوهی فراوان با آن روبرو  
شدند. البته آنها بخاطر خفقان موجود  
تا راحتی خود را جز در حضور حیران  
مورفا عتماندا شکار نمی‌کردند.  
کارگرانی که به یکدیگر اعتماد  
داشتند، با عداوت و کینه‌های  
دامان رژیم جمهوری اسلامی خوانده  
آرزوی سرنگونی رژیم را میشوند  
بی شک شعیه‌های کینه‌ای که امروز  
در میان کارگران زیاده می‌کشد در  
فردای نه چندان دوری که کارگران  
به همراه دیگر زحمتکشان و نیروهای  
خلق به مقتومت و مبارزه برخیزند،  
به نیروی عظیمی تبدیل خواهد شد  
که بنیاد رژیم را برخواهد افکند.

### برای تشکیل انجمن اسلامی دست به دامن ساواک‌بها می‌شوند!

مزدوران کارفرما و عوامل حزب، بسیاری  
تشکیل انجمن اسلامی بدنیا نمایند  
- ای از "خانه کارگر" میروند و شخصی  
بنام شیرخداشی را بعنوان نماینده و  
به خنکوبه کارخانه می‌آورند. دو  
هفته بعد کارگرانی که برای اعتراض  
به رئیس انجمن اسلامی به خانه  
کارگر رفته بودند، میفهمند که فرد  
مزدور با او کسی بوده و مدت‌ها در "خانه  
کارگر" رژیم، مشغول جاسوسی بنفع

سرما بیداران خاکم بوده است.  
وقتی خمینی حضرت ساواک شاه را  
میخورد و خیال ساواک ۳۶ میلیونی را  
خواب راحت را از او ربوده است و  
مادران را به جاسوسی و لاسو دادن  
فرزندان فرا میخواند، دست بدامان  
ساواکی‌ها شدن برای تشکیل  
انجمن اسلامی کارخانه‌ها مسیری  
طبیعی است!

### افزایش فشار و ارعاب در کارخانه‌ها

بدنبال سیاست سرکوب و  
خفقان وحشیانه‌ای که رژیم در پیش  
گرفته، فشار و ارباب در کارخانه‌ها  
بیش شدت یافته است. از کارخانه  
با برقراری داشتیم که کارگران موقع  
کار خقی نداشتند حتی یک دقیقه  
بیرون از محوطه سالن کار با شدند.  
در "خانه کارگر" هم برای سر  
کارخانه پرونده‌ای درست شده است  
قسمت اعظم این پرونده‌ها شامل  
اعلامیه‌هایی است که از بعد از قیام  
تا کنون در کارخانه‌ها پخش شده  
است.

### تفنگ‌وان مبارز تو هین به مبارزات خود را تحمل نمی‌کنند

روز دوشنبه ۲ شهریور محمد  
غرضی وزیر مرتجع نفت که از سفر به  
خارج بازگشته بود در پایانشگاه  
تهران یک سخنرانی ترتیب داد.  
حدود ۱۵۰۰ تن از کارگران  
مهندسین پالایشگاه در این سخنرانی  
شرکت کرده بودند. او در ضمن صحبت  
به اعتصاب کارگران نفت جنوب در  
زمان قیام اشاره کرده و میگوید:  
"در آن زمان کارگران تصددا نسنند  
چطوری عمل کنند، شهرتت را کسی  
ببندند و اعتماد کنند... بعد  
میگوید: "من نوکران کسانی هستم  
که به مسجد میروند و نماز میخوانند و  
همه منافقان و چپی‌ها ولیبرال‌ها را  
تصفیه خواهد کرد و بهیچوجه نخواهم  
گذاشت اینها به شوراها راه پیدا  
کنند. فقط حزب الهی‌ها با پیوستن  
شوراها را بدست گیرند". در این  
موقع یکی از کارکنان مبارز دست  
خود را از زمین جمعیت (بصورت مشت  
گرفته کرده) بالا میبرد و اجازه صحبت  
میخواهد و میگوید: "آقای غرضی!

بقیه از صفحه ۱

# رهنمود به رفقای هوادار سازمان در باره سازماندهی و وظایف هسته‌های وابسته

ها و حوزه‌های سازمانی سازماندهی شده و آن دسته از رفقا که ارتباط تشکیلاتی با سازمان ندارند، یا بستنی خود را توجه به آشنائی نزدیک با سایر رفقای سمپا تیزان و هوادارها یکدیگر تماس گرفته و بر اساس رهنمودهای سازمان، خود را متکامل کرده و بوظایفی که برای هسته‌های وابسته تعیین شده است عمل نمایند و در همین حال کوشش کنند تا نزدیکترین حوزه و کمیته سازمانی ارتباط برقرار نمایند.

هسته‌های وابسته مرکب از ۳-۴ رفیق هوادار تشکیل میشود. این هسته‌ها با پدایز حیات تعدادی از اعضا محدود بوده و نباید بیش از این خود را گسترده نماید و تقسیم کار وسیع و همه‌جانبه‌ای را در دستور کار خود قرار دهند. این مسئله در شرایط حاکمیت ترور و سرکوب بورژوازی و سطح معمولاً با تأمین تجارب این هسته‌ها و ضرورت حفظ امنیت و ادامه کاری آنها حائز اهمیت است و اکیداً باید مراعات شود.

هسته‌های وابسته اساساً بر مبنای سلول‌های موسسه‌ای در کارخانجات، روستاها، مدارس، ادارات (م) و... و محلات تشکیل میشوند. اما در عین اینکه جنبه تخصصی فعالیت خود را حفظ کرده و در بیک رشته از فعالیت بطور عمده مشغول میشوند، میتوانند بطور متناوب در سایر برون‌وظایف نیز بپردازند.

روشن است که رفقای حقیقی عضویت در هسته‌های وابسته را ندارند که از نظر سیاسی - ایدئولوژیک دارای وحدت با سازمان باشند و مواضع سیاسی - ایدئولوژیک آنها را بپذیرند. در غیر این صورت وحدت هسته با پدایز بوده و از جهت

رابطه با تشدید بی سابقه سرکوب و اختناق ناگزیری تغییر شکل کار و فعالیت تشکیلاتی نبوده و اساس آن مربوط میشود به عدم گسترش حوزه‌های سازمانی در کلیه موسسات و شهرها و بخشهای مختلف کشور. از اینرو رهنمود ما در باره "هسته‌های وابسته" ناظر بر دوره گذشته نیست میباید شرایط جدید و حاکمیت بیش از پیش ترور و سرکوب رژیم، این مسئله را بطور مضاعف و پاتاکسیس بیشتری مطرح نموده و تغییرات اساسی را در شکل خاص آن ایجاد می نماید.

هسته‌های وابسته صرفاً در مناطق و آن دسته از موسساتی تشکیل میشود که سازمان در آنجا دارای حوزه سازمانی نیست. موسساتی که سازمان در آنجا حوزه سازمانی دارد، هواداران و سمپا تیزانهای سازمان در اطراف این حوزه‌ها سازماندهی شده و بوظایفی که از سوی حوزه در رابطه با رهبری جنبش بوده‌ای، تبلیغات، ترویج پخش و... بعهده آنها گذارده میشود، فعالیت می کنند و با آن دارای ارتباط فعال تشکیلاتی (در مقایسه با هسته‌های فرعی وابسته) هستند. به این ترتیب فعالیت سازمان در بسیاری از شهرهای کوچک، بخشها و روستاهای کشور و موسسات غیرکارگری و حتی کارگری توسط این هسته‌ها پیش خواهد رفت و سازمان نیروی اصلی تشکیلاتی خود را در مناطق صنعتی و مناطق و موسسات مهم و درجه اول و بویژه در میان پرولتاریای پیشرو ایران بکار خواهد گرفت و در جریان گسترش فعالیت خود بنا بر سیاست گسترش جویس و متناسب با رشد و تکامل این هسته‌ها، با آنها تماس فعال تشکیلاتی گرفته و آنها را بسطح حوزه‌ها رساند. حواهد داد. هسته‌های وابسته حتی نسبتاً مهمی از رفقای هوادار را چه آنها که هم‌اکنون در رابطه تشکیلاتی با سازمان هستند و چه آنها که دارای چنین ارتباطی نیستند در بر میگیرد. آن دسته از رفقا که دارای ارتباط تشکیلاتی با سازمان هستند توسط خود کمیته

در بحبوحه کشاکش انقلاب و ضد انقلاب، رژیم کوشیده و میکوشد تا برای حفظ حیات سیاسی خود به تنه راه ممکن یعنی سرکوب و ترور روی آورده و هرگونه حرکت مخالف خود را به شدیدترین وجهی مورد حمله قرار دهد. اما این ترور و سرکوب بیش از آنکه بی اثر قدرت و استحکام و ثبات سیاسی رژیم حاکم باشد، بی اثر و ضعیف و زبون و از پایه شکنجی به خواستهای اساسی توده‌ها و بیان رشد با زهم بیشتر می‌آید. هر چه وسیع تر کارگران و زحمتکشان با رژیم منفور جمهوری اسلامی است. این درست است که تشدید سرکوب و خفقان خودبخود غیرقابل انکاری موجب کند شدن آهنگ حرکت اعتراضی توده‌ها و عقب نشینی موقت آن شده است، اما سمپا را شتیه خواهد بود اگر تصور شود که این کندهی و عقب نشینی مدتی طولانی ادامه خواهد گرفت و رژیم بتواند سرکوب جنبش و شکست آن و تشبیت خود را زکشت دوره رکود موقت بود. آرامش نسبی، آرامشی موقت و در واقع آرامشی قبل از طوفان است. گویا چکریس سردیدی نمیتوان داشت که در آینده‌ای نزدیک طولانی، جنس بوده‌ای سر برانند و خود را در سطحی گسترده ترویج مضمونی عمیق تر از گذشته، به پیش خواهد رفت و ضوما رژیم جمهوری اسلامی را در هم خواهد سوردید.

با توجه به شرایطی که بدان اشاره شد، مضمون وظایف نیروهای کمونیستی و از جمله سازمان ما در این مقطع در اساس خود در مقابله با کدسده‌ها و بی‌تکراری و آنچه که دچار تغییر کرده و با پدیدان روحه دایم، سیوه‌های کار اسکال سازماندهی، افزایش درجه محفی کاری و... میباشد. ما با سهمیه رهنمودی را که ما در سطح کسوسی در باره سازماندهی و وظایف بخش سمپا مهمی از هواداران و سمپا تیزانهای سازمان تحت عنوان "هسته‌های وابسته" مطرح میکنیم، اساساً در

(م) - از آنجا که رفقای هوادار دانشجویی از آموزش سازمان در سازمان مستقل خود یعنی "سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان" متشکل میباشد، این طرح شامل این دسته از رفقا نمی‌شود.

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!

تشکیلاتی نیز قابل دوام نخواهد بود.

رابطه تشکیلاتی نیز هسته‌های وابسته به سازمان، نه یک رابطه تشکیلاتی فشرده و نزدیک، بلکه یک رابطه محدود بوده و عمدتاً از طریق دریافت گزارش‌های ماهیانه هسته صورت میگیرد. اساس ارتباط سازمان با هسته‌های وابسته، ارتباط سیاسی - ایدئولوژیک بوده و از طریق پیکار رورهنمودهای آن در زمینه‌های مختلف انجام میگیرد. سازمان با انعکاس نظرات سیاسی ایدئولوژیک خود، تعیین سمارهای جنبش کارگری، توده‌ای، رهنمودهای مربوط به سازماندهی جنبش توده‌ای، مسائل تشکیلاتی، امنیتی و... آموزش هسته‌های وابسته را پشتیبان برده و در این زمینه نشریه پیکار نقش رهبری را برای این هسته‌ها ایفا میکند.

هسته‌های وابسته باید در محدوده وظایف خود و بعنوان یک هسته وابسته به سازمان تابع اصول سازمانت را بسمت مکرراتیک باشند و از این طریق از انضباط بالائی برخوردار بوده و استحکام موزندگی خود را تأمین نمایند. تصمیمات باید بصورت جمعی اتخاذ شود و اقلیت از تصمیمات اکثریت تبعیت نماید و اختلاف نظرات را صرفاً در عرصه مبارزه ایدئولوژیک روشن نمایند. در غیر این صورت هسته وابسته دچار لیبرالیسم شده و عملاً برای و کار - آبی خود را از دست داده و به یک محفل روشنفکری تبدیل میشود.

هسته‌های وابسته میتوانند نام شخصی مثلاً اسمی شهدای سازمان و شخصیت‌های برجسته جنبش کمونیستی بین‌المللی و ایران را برای خود انتخاب کرده و به همین نام فعالیت خود را انجام دهند.

## وظایف هسته‌های وابسته

### الف - وظایف و ضوابط تشکیلاتی هسته

۱- آموزش و مبارزه ایدئولوژیک: برای تأمین مروجت سیاسی - ایدئولوژیک هسته با سازمان و تأمین وحدت دروسی هسته و استحکام تشکیلاتی آن بر مبنای مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، آموزش مواضع سازمان و مبارزه ایدئولوژیک درون هسته‌ها ضرورتی است. هر هسته موظف

است بر اساس رهنمودهای سازمان در این زمینه بطور فعال آموزش و مبارزه ایدئولوژیک را در دستور کار خود قرار دهد.

۲- انتقاد و انتقاد از خود: یکی از خصایل بارز کمونیست‌ها، انتقاد و انتقاد از خود است. هر فرد کمونیست موظف است به اشتباهات و خطاهای خود و دیگران توجه کرده و ضمن درس آموزی از آنها، با این اشکالات و اشتباهات بطور جدی و قاطعانه مبارزه نماید. انتقاد و انتقاد از خود، سلاح پرولتاریا برای تأمین استحکام و آیدئولوژی سازمان خویش است. بدون این سلاح تشکیلات پرولتاریا از برندگی و قاطعیت لازم بی بهره است. لذا هر هسته وابسته باید مراعات انتقاد و انتقاد از خود را بصورت جدی یکی از وظایف درونی، بطور جدی در مدنظر داشته باشد.

۳- آموزش نظامی و ورزشی: آموزش نظامی و ورزشی و کلا آمادگی بدنی و نظامی از مهمترین فعالیت‌ها و وظایف هر هسته وابسته است. ورزش صحیحاً هم، کوهنوردی و آموزش نظامی با دید بطور جدی در دستور کار هر هسته قرار گیرد.

۴- رعایت ضوابط امنیتی: هر هسته باید در چهارچوب وظایف مشخص، اصول مخفی‌کاری و امنیتی را کاملاً رعایت کرده و بدین وسیله حیات و ادامه‌کاری هسته را تأمین نماید. اصول مخفی‌کاری بسیار هسته‌علیرغم ایجاد محدودیت‌هایی در فعالیت توده‌ای، برای تداوم مبارزه و کار توده‌ای هسته و استحکام آن کاملاً لازم و ضروری است. کوچکترین غفلت در اجرای ضوابط و اصول مخفی‌کاری، هسته را به تلاشی خواهد کشاند. لذا آموزش اصول مخفی‌کاری و قیام مبارزه با پلیس سیاسی، از وظایف مهم هسته را تشکیل میدهد که باید بطور جدی رهنمودهای مشخص سازمان انجام گیرد.

۵- گزارش نویسی: هر هسته وابسته موظف است که هر یک ماه یکبار از فعالیت درونی و بیرونی خود در عرصه‌های مختلف گزارش‌نویسی تهیه کرده و سه سازمان ارائه دهد. در این گزارش فعالیت هسته، اسکا لاد و سرفاق‌کار، پیشرفت‌ها و پیشتنها در صورت خلاصه نوشته شده و میبایست از درج هرگونه اطلاعات و مسائل امنیتی در آن خودداری شود.

### ب- وظایف بیرونی هسته

۱- تبلیغ: مهمترین بخش فعالیت هر یک هسته وابسته، فعالیت

تبلیغاتی است. بویژه در شرایط فعلی که رژیم سیکو شد با حاکمیت جو خفقان و سرکوب و جلوگیری از فعالیت تبلیغاتی و انتشارات گروهمهای کمونیست و انقلابی، توده‌ها را از حقایق و واقعیت‌ها جامعه دور نگاه دارد و متقابلاً فعالیت تبلیغاتی وسیع اذهان توده‌ها را دچار انحراف و گمراهی نماید. رساندن اخبار و گزارشات جنبش کارگری و توده‌ای و نقطه نظرات و مواضع سیاسی سازمان و برنامهداخل پرولتاریا به نسبت زحمتکشان و آگاه‌سازی آنها نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی و افشای جنایات و خبیانتها، ارگانهای مختلف و سرمداران رژیم و بویژه شخص خمینی، افشای رو بیزونیست‌ها و همکاری صمیمانه - شان با رژیم حاکم و همچنین افشای لیبرالها و اقدامات جنایتکارانه و ضد خلقی آنها از فرادای قیام به اینسو و همکساری صمیمانه‌شان با جناح حزب جمهوری اسلامی و نمایندگان چهره‌ریا کارانه آنها به توده‌ها و در همین رابطه افشای آلترنا تیو لیبرالی - بنی - صدرها هدین از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

وظایف تبلیغاتی هسته وابسته را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

الف - تکثیر اعلامیه، تراکت و مقالاتی از پیکار که برای تکثیر تعیین میشود. هم‌اکنون که سازمان قادر نیست و اصولی هم نیست که اعلامیه و تراکت و نشریه پیکار را در تیراژ وسیع تکثیر نماید، این وظیفه هسته‌های وابسته است که با تهیه ساده‌ترین وسایل چاپ و تکثیر با دریافت حتی یک نسخه از نشریه و اعلامیه سازمان به سرعت و به میزانی که امکان پخش آنرا دارند، آنها را تکثیر نمایند و از این طریق تیراژ اعلامیه‌ها و مطالبی از پیکار که با دید نسبت وسیع‌ترین قشرهای توده‌ای برسد و بنحوی وسیع بالا ببرند.

ب- توزیع و پخش نشریات: توزیع و پخش نشریات پیکار یکی از مهمترین و حساس‌ترین وظایف هسته‌های وابسته است. بدون رساندن اعلامیه‌ها و نشریات سازمان بدست کارگران و زحمتکشان کوچکترین سختی از کار توده‌ای و شرکت در جنبش توده‌ای نمیتواند در میان باشد. بدون این کار، تمام فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان بی نتیجه خواهد ماند. کار پخش، بخصوص در شرایط خفقان

بقیه از صفحه ۲ سر مقاله ۵۵۵

کنونی، باید بطور منظم و حساب شده و با ترکیب مناسب و بخصوص در مناطق توده‌های صورت گیرد. علاوه بر بخش اعلامیه و تراکت و منتخبات بیکار، باید نیز به بیکار و دیگر نشریات سازمان را که بدست هسته‌ها می‌رسد بطور منظم به آدرس کارگران پیشروی که میشناسند برسانند.

ج - شعار نویسی: اهمیت شعار نویسی در مقابله با گذشته‌ها تنها کم نبوده بلکه به مراتب افزایش یافته است البته در شرایط فعلی نوشتن شعارهای درشت و طولانی بر روی دیوار، خطرات بیشتری را در بر دارد و از همین رو شعار نویسی باید توسط ماژیک بر روی کیوگ - های تلشن و نقاط مشابه آن و یا بصورت تراکت‌های چسب دار، صورت گیرد. شعارهایی که با بدوشسته بود، مرتباً توسط نشریه بیکار - آراشته خواهد گردید.

د - تبلیغات توده‌ای: هسته - های وابسته علاوه بر تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها و نشریات سازمان، میتواند چندویا بیدر را به محیط فضا لیت خود در موسسه به تهر - و تکثیر تراکت و اعلامیه‌های ساده و به امضای هسته بپردازد.

۲- ترویج: از جمله وظایفی که بر عهده هسته‌ها (البته با توجه به امکانات هسته) قرار دارد، ترویج مواضع سازمان و متون پایه‌های مارکسیسم برای کارگران پیشرو و آگاهان است. هسته‌های وابسته باید بر اساس رهنمودهای آموزش - سازمان و مقالات آموزشی ای که در بیکار درج میشود، نقش فعالی در بالا بردن آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران پیشرو ایفا نمایند.

۳- سازماندهی جنبش توده‌ای: شریک در سازماندهی سیاسی کارگران و دیگرزحمتکشان چه در کارخانه و دیگر موسسات و چه در محلات و ارتقا در سازماندهی این مبارزات، از مهمترین وظایف هسته‌های وابسته است و اصولاً وظایف تبلیغی و ترویجی که در بالا از آن نام بردیم اساساً در رابطه با این وظیفه قرار میگیرد. این مساله بخصوص در شرایطی که - سازمان اقتصادی موجود، فقر و فلاکت توده - ها، سرکوب تریان و خسی رژیم جمهوری اسلامی و امراض آگاهی شده‌ها، زمینه‌های عینی و ذهنی هرکسب‌های اعتراضی وسیع توده‌ای را درآینده چندان دور فراهم خواهد ساخت، اهمیت یاز هم پیشروی مبارزانه‌های متکامل در هسته‌های وابسته و طبقه دارند. استفاده از تمامی امکانات موجود

توده‌ها داشته و در مسیر بروز جنبشی مقاومت اعتراضی توده‌ها در اشکال آشکار و توده‌های خود، مانع ایجاد کرده است. توده‌ها اکنون نظاره گر نبردسی اما نمی هستند که میان ضد انقلاب مسلح از یکسو و نیروهای مخالف و انقلابی مسلح از سوی دیگر ادا می‌دارد و خود در آن صاحب هیچ نقش موثر و حضور مفیدی نیستند.

این درستی است قدرت سیاسی از درون لوله تفنگ بیرون می‌آید اما از درون لوله تفنگی که در دست توده‌های بی‌باخته و قیام‌کننده مردم که رهبران بی‌بیتا پیش آن قرار دارند، باشد. تفنگ در شرایط فعلی عمدتاً نه تنها در دست توده‌ها قرار ندارد بلکه هنوز به چنان درجه‌ای از آمادگی نرسیده اند که تفنگ را در دست گیرند. البته میتوان کودکان ویژه قدرت سیاسی را بدست گرفت اما این قدرت سیاسی نه مطلوب زحمتکشان بلکه جداگرا منتقدان قدرت از دست یک جناح بدست جناح دیگر بورژوازی در چهار رجب - همان نظام سیاسی (ولاجرم اقتصادی) موجود است و اتفاقاً خط مشی مبارزه‌های بین و بی‌بیتا در حال حاضر بر همین امر نظارت دارد. جنبی صدر در یکی از سخنرانی‌های پیش گفته بود که با از بین رفتن رهبران درجه اول هیئت حاکمه (که دونفر آنها در طی انقلاب از بین رفتند - یعنی رجایی و باهنر) رژیم سقوط خواهد کرد! صرف نظر از درستی یا نادرستی این ادعا این گفته بغرض خود نشان میدهد که جنبی - صدر خواهان چه نوع سرنگسبون کردنی و در پی چه نوع حکومتی است. او خواهان "جمهوری اسلامی" است که وی رئیس جمهورش باشد، اگر کسی جنبی هم به چنین "جمهوری" ای تمکین نمود، بر او تهمتی جایز نخواهد بود! انتقال قدرت از دست یک جناح از بورژوازی بدست جناح دیگر! این است آنچه جنبی صدر و رهبران مجاهدین در شرایط فعلی در پی آن هستند. و اکنون مجاهدین نیروهای نظامی خود را به میدان میفرستند تا لایب‌ها بنا بر روی این

پنج نفر "این کودتا را به نفع بنی مدرو با هر شکل رژیم بورژوازی دیگر به انجام نرسانند. جنبی هدفی در حفظ مناسبات سیاسی، با چنین تاکتیکی در شکل مبارزه، دقیقاً در تطابق قرار گرفته است.

علاوه بر این روشن است که پی - آمد این غربت سنگین بورژوازی و این عملیات نظامی بزرگ (و نیز اشکال کوچکتر آن) به دلیل عدم انطباقش با تنها سبب قوای موجود آمادگی ذهنی و فیزیکی توده‌ها تنها دست رژیم را در افزایش درجه اختناق و سرکوب و شستار و در بیک گام کسری ترو و بیدار شدن انقلابی دولتی باز نبرد خواهد کرد. و پیش از پیش وی را در نابود کردن ضرب وارد آوردن به نیروهای جنبش و هماهنگی و کار در - های انقلابی جنبش جری تسری خواهد ساخت. افزایش مبارزات گشتارها، اعدام‌ها و امارت‌ها در روز - های اخیر بعد از انفجارها حاکی از این واقعیت است. این عملیات ما چرا جویانه و کودتا گرانه، هسته نظارت بر ضرورت بسیج توده‌ها و بر - انگیزش و ارتقاء و سازماندهی مقاومت اعتراضی توده‌ها به سبب در هم شکستن تهر و رژیم فدا انقلابی حاکم در توده‌ها میتوان دید و نیروهای آگاه و کارگران رهبری کننده توده - ها را که جنبش بدون آنها نمی - تواند گام موثر در جهت ارتقاء - بر بردارد و بدون آنها هیچ جنبشی از پیروزی جنبش نمی تواند در میان بیاورد. حفظ نماینده‌ها امکان ایجاب ارتباط محکم میان عناصر و نیروهای آگاه و جنبش خود بخودی و اعتراضی توده‌ها را فراهم می‌آورد. بالعکس در همه این زمینه‌ها مواضع و مداخله‌های جدی ایجاب می‌نماید و ایجاب خواهد کرد. به همین جهت هر چند که این عملیات حتی موفق به نابودی کلیه سران رژیم هم بشود و حتی جداگرا مکان با بدنگه هیئت حاکمه فسطی را با قطب نمای بدتتها یک کودتا انجام داده است، کودتایی که بی شک تنها کسانی که هیچ جنبی از آن نخواهند دید توده‌های محروم جامعه هستند، هماهنگی که قبیل از آن نیز در محاسبات تاکتیکی، صاحب هیچ نقش و دخالت موثری نبوده‌اند

را آماده استقبال از جنبش توده‌ای شرکت فعالانه در آن و ارتقاء و سازماندهی این جنبش بنمایند.

۴- تامین تدارکات: سازمان در شرایط فعلی، سپس از هر موقع دیگر و بویژه پس از ضربه اخیر نیاید تمکینک‌های مالی، تدارکاتی در زمینه‌های مختلف میباید که جنبش اعظم، این تدارکات با یکدگر طبق

سپه از صفحه ۱۶ رفیق ۵۵۵

سازاتی و ایما می سرشار بر سر  
پیروزی زحمتگشان همراهِ  
دانشجویان سباز دیگر در اعتمالات  
تعمیرات و مسازات کارکنان  
کارخانجات تهران شرکت میگرد  
او که با تمام وجود خواهان بریدن از  
طبقه خویش و پیوستن به صفوف  
رزمندگان زحمتگشان بردها دقانه به  
زندگی و فعالیت پرشور در میان  
آنان پرداخته از نزدیک با رنجها  
و محرومیتها ی زندگی رنجبران  
ایران که در زیر استشما روحیا نه  
سرمایه داران به فلاکت و بدبختی  
افتاده بودند آشنا شد، خصا یسل  
والا و انقلابی پرولتاریستی  
شهرمان ایران را با زین خنده بسا  
کسب ایدئولوژی و آرمانیستی  
پرولتری هر لحظه پیش از پیش خود  
را متعلق و وابسته به مشرف رزمندگان  
زحمتگشان میدید. رفیق که از همان  
ابتدای فعالیت در میان طبقه به  
ضرورت کار منظم و تشکیلاتی پی برده  
بود، با مبارزه و مبارزه در تشکیلات و  
تشکیلات راست و چپ و غیره  
معیار و ملاک اشتغال خود را براتریک  
و فعالیت انقلابی سازمانها بساز  
مبنای وفاداری به مارکسیسم-  
لنینیسم و رزمندگی قاطع بسا  
روزی یونیسف قرار داده و به همین  
دلیل بود که با شور و اشتیاق  
فراوان و اشتغال را میر به مشرف  
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه  
کارگری است و از آن لحظه بر سر  
عنوان یک کمیونیست پیکار  
آگاهانه در راه آزادی و ایما  
بسیار، بر فعالیت تشکیلاتی خود را به  
انجام میرساند.

رفیق همراهِ با رفیقانی دیگر  
در میان زحمتگشان شهرک ولی عصر  
زندگی و فعالیت کرده و به آشنان  
عاطفه بسیار معینی داشت و با ایمان  
به دما نشان به آگاه کردن آشنان  
میرداخت با سداران جهل و سرمایه  
این حامیان رژیم سرمایه داری و  
مرتجع جمهوری اسلامی رفیق را  
پیکار زمانه که مشغول به فعالیت  
بوده است گریز کرده و به زندان برده  
اما او همانند تمام کمونیستهای  
راستین، لحظه ای انگیز و به هدف  
سازاتی خویش را تراوش نکرده  
با هوشیاری و عسارت تمام مدارک و  
اطلاعات خود را از بین برد و سرانجام  
با سوراخ کردن دیوار زندان شبانه  
موفق به فرار شده بود و با خواندن  
سرودها و اشعار انقلابی در بیست  
راه برای هزارمین بار به دنیایمان  
رژیم شایسته سوخته کمونیستها از  
سرشت ویژه ای هستند و اراده و  
استقامت آنان همچون قفسه فولاد  
آبیدهاست.

رفیق که در این اواخر در  
قسمت توزیع تشکیلات تهران و با  
موضع سازمانی کاندید می شود  
فعالیت مینماید در جریان حمله  
و خشیا نه خیر ارتجاع، بار دیگر  
به زندان افتاد، اما این بار او  
هیچگونه تسلیمی به خود را نداشت  
استوار به پیش رفت و در آذربایجان  
لحظه با هوشیاری کمونیستی خود  
رفیق به نجات جان پرخرجی از  
رفقای سازمان گردید، رفیق  
تا در رفیق صمیمی با احساس  
مسئولیت وجدی بود، درها هنگ  
کردن و ارگان نیزه کردن کار جمع  
فعالیتی چشمگیر می نمود. رفیق  
منضبط و دقیق بود در انقلابی و  
اعتقاد عمیقش به آرمان طبقه  
کارگر و ضرورت پیشبرد بدون وقفه  
مبارزه طبقه ای موجب میشد که  
رفیق با همکاری سایر رفقا، در  
این قسمت، از هیچ کوششی برای  
ادامه کار فعالیت انقلابی و  
رسانیدن نفعیات را علامیه های  
سازمان بدست آورده ها فروگذار  
نکرد. رفیق با بینش سیاسی و تیز  
بینی ای که داشت سایر نمونگینی  
و ظالمی اش از پر خورده بسا  
ساقل سیاسی ایدئولوژیستیک  
سازمان فعالیت نمی ورزید، او  
میدوید تا براتریک انقلابی را با  
تعمیق اندیشه های کمونیستی  
خویش پیوسته نهد به یک "پیکار  
تا به تشکیلات کمونیستی  
پرولتاریا برساند.

از سرانجام به دست پاسداران  
جلاد کمونی همراهِ با عده ای دیگر  
از رفقای کمونیست اش به جرحه  
آتش میرد شد، آنها بنام طمس  
پیروزی و برقراری جمهوری  
دمکراتیک خلق عاشقانه گلوله  
های سربی را پذیرا شدند اما یاد  
و نشان جا و دانه سرخ با قسی  
خواهد ماند، با وجودیکه گلوله های  
آتشین جلادان قلب گرم و سرشار  
از عشق و محبت او به زحمتگشان را  
آماج تیرهای خود قرار ندادند  
ولی هرگز نتوانستند راه سرخ او  
را که با خون مدها چون او گلگون  
گشته است و هدف او ساز پرزندگان  
انقلابی را بنا برده اند، او  
همانطور که زمانی به یکی از  
رفقا پیش گفته بود از مرگ خویش  
عصا سبای جا و دانه سخت: "اگر  
روزی مرا در مقابل جو خا عمام  
قرار دهند با احساس بی شکوه خواهم  
داخت و در آخر بین لحظه با مشتهای  
شده کرده و با تمام وجود فریاد  
خواهم زد: زنده باد سوسیالیسم!

رفیق ۵۵۵

امکانات وجدی گرفتن هر چند  
بظا هر کوچک و کم اهمیت جهت دادن  
آنها در رابطه با نیازهای سازمان  
میباشد.

۵- کسب اطلاعات: از جمله  
وظایف مستمر هسته های وابسته  
کسب اطلاعات از وضعیت درونی  
ارگانهای اداری و سرکوب دشمن  
(بویژه ارتش، سپاه پاسداران،  
کمیته ها) و موقعیت احزاب و  
گروههای فدا انقلابی است، این  
اطلاعات که شامل نقاط قوت، نقاط  
ضعف، تضادهای درونی، برنامهای  
کوتاه مدت و دراز مدت، شیوه های  
اسلوبهای کار، بهره های مهم و  
مشربین ارگانها و احزاب میباشد  
میتواند سازمان را در بررس و  
تحلیل های سیاسی، شیوه های  
ضوابط منبستی و اقدامات نظامی  
در آینده یاری رساند.

۶- ارسال اخبار و گزارشات  
نشریه پیکار، بدون داشتن صدها  
حتی هزاران خبرنگار رتوده ای که  
نشریه را در جریان اساسی تربیت  
مسایل و رویدادهای جنبش قرار  
میدهد، هیچگاه نمی تواند نشانه  
وظایف سیاسی و تبلیغی خود ادا  
دهد. این مساله بخصوص در شرایط  
خفیان کنونی اهمیت با زهم  
بیشتری پیدا میکند. از اینرو یکی  
از وظایف روزمره و عمومی هسته های  
وابسته و بویژه هسته های که در  
کارخانجات و موسسات مهم فعالیت  
میکند، ارسال اخبار و گزارشات  
منظم برای نشریه پیکار با نزدیک  
ترین وسیله ارتباطی ممکن می  
باشد. رفقا باید توجه داشته باشند  
که اخبار و گزارشات ارسالی باید  
خلاصه، کامل و موثق باشد و در صورت  
عدم موثق بودن کامل درجه موثرت  
بودن آنها را روشن نمایند.

رفقا! ما در شماره های آینده  
پیکار در باره هر یک از وظایف  
درونی و بیرونی هسته های هوادار  
رهنمودهای تفصیلی خود را با شما  
در میان خواهیم گذاشت.

پیروز باشید!

رفقا!

در نتیجه آنها جم مفول و ارزیم  
و اقدامهای دستجمعی و بی شمار، ما  
رایا رای شدن شهیدان و بررگ-  
داشت آن عزیزان نیست، وظیفه  
کمونیستی و انقلابی ایجاب می-  
کنند که هر اطلاعی از زندگی و مبارزه  
این رفقا دارید، با خاطر هیسا...  
برای تحریریه بشرستید.

یادش گرامی باد!



# به فتوای خمینی، اینچنین باید شکنجه کرد!

سران برداری  
وابسته



در شماره ۱۱۵ پیکار نوشتیم که بدنبال فتوای خمینی  
داشتر "خلال بودن شکنجه" انقلابیون و کمونیستها، رفیق  
کریم با عی، کمونیست پیکار رگری که ۸ سال از عمر خود را در  
سبزه کدرانده بود، در زیر شکنجه جلادان خمینی به شهادت  
رسید. در شماره ۸۸ "راه کارگر" مورخه ۲ شهریور ماه شرحی از  
شکنجه رفیق شهید کریم با عی درج شده است که ما از آن، متن  
زیر را اقتباس کرده ایم.

پس از ۴ روز اسارت در زندان (تبریز) او را که در آستانه  
مرگ قرار داشت و بدنش خرد و در هم پیچیده به نظر میرسید به  
بیمارستان منتقل کردند ولی به علت ضربات شدیدی که به سر  
فشار سینه اش وارد آمده بود به احقان حاد ریوی مبتلا شده  
و در بیمارستان درگذشت. تمام بدن رفیق از آثار ضرب و  
چرخ به رنگ کبود درآمده بود. چشمش در اثر ضربات وارده  
شدیدا متورم بود، بینی و یکی از بازوهایش را شکسته بودند.  
استخوانهای سینه اش بسختی آسیب دیده بود، روی شکمش جای  
زخمی بود، خون استفراغ میکرد و تورم و خون مردگی در  
بسیاری از نقاط بدنش کاملاً مشهود بود. پادار جناحتکاری  
که از او در بیمارستان محافظت میکرد بدون توجه به وضع  
و حالت یا روحالتا احتضار در دناک او میگفت: "چطوری آقای  
با عی باز هم کتاب می خوانی؟" و در پاسخ پرستاری که  
پرسیده بود چرا این جوان را به این روز انداختید گفت:  
"چون این آقا کمونیست است و ما با تمام کمونیست ها همسر  
رفتار را خواهیم کرد". یکی از خواهران زینب "ما مورسیده  
بود که پرستاران بطور سحد و بدبا و سر بزنده و هیچ گفتگوشی  
با وی نداشته اند.

گسرامی با دیسابت ای رفیق کمونیست!  
سنگ و نمرب و مرگ بر جلادان خون آشام است!



رفقای "راه کارگر" در ذیل خبر فوق شرحی از  
شکنجه یکی دیگر از رفقای ما آورده اند که آنرا عیناً  
نقل میکنیم:

"یکی از رفقای دختر هواداران ما زمان پیکار که در  
تبریز تبریر باران تدبیر زوجه ستاکی شکنجه شده بود با  
طوری داغ آنقدر سر بدنش کشیده بودند که سر تا سر  
سوخته بود و سینه ها بش کلا صاف شده بود. زنی که  
برای تحویل گرفتن جنازه برادرش آمده بود، بسیار  
متألمه و بیگوارانه تکلی داد. این رفیق پیکار رگر  
آنچنان سیهت مانده بود که پاسداری با قفسه ق

تفنگ او را مورد حمله قرار داد که: "توسط حق داری به  
جنازه مال خودت بنگاه کنی". اقدام این زبیر - حشر  
و عین از هواداران دیگر ما زمان پیکار را از این  
اقدام نشده بود. بضا برای این خواهران سینه در ما بل  
زندان، شکنجه را عدا م جمیع رژیم را برای همه توضیح  
میداد و میگفت: "قسم خورده ام هر کجا جمعی را ببینم  
این اقدامات عاشقانه رژیم را افشا کنم".

خبر دیگری هم حاکی است که برخی از زنان که در  
مرده شور خانیه بهشت زهرا کار میکنند، بدلیل آنکه  
مکرراً با اجساد تکه تکه شده دختران ایفلاسی مواجه  
شده اند، دچار نوعی بیماری عصبی شده اند.

<p>از هر طریق ممکن برای سازمان ارسال نمایند</p>	<p>رفقا! با تقدیر از کمک های مالی شما، کمک های مالی خود را</p>	<p>بقیه از معده ۱۴ آدمکشان ۰۰۰ حزب الهی های محل که از این همه استقبال عمومی وحشت کردند بودند هادی غفاری سردست جما فداران را خیر میکنند. غفاری حسرتاً ۲۰۰ - ۳۰۰ صلح به محل آمده و حمله های که برای سوکواری کذا شده بود در دست کشید و با چند ماور محل را ترک می نماید این جاده و ایل تهرپورا تفاف افتاده است.</p>
---	--	---

دانگاه های فاشیستی حکومت خمینی نابود باید گردد!

# دمکراسی انقلابی یاد مکراسی بورژوازی ضد انقلابی!

## نگاهی به "متن میثاق شورای ملی مقاومت"

آقای مسعود رجوی چندی پیش در مصاحبه‌ای با روزنامه لوموند در فرانسه، در مورد بنی مدرگفست: "سازمان ما با آقای بنی مدربرسریک نکته توافق کامل دارد و آن دمکراسی و بنی دیکتاتوری در ایران است. اگر آقای بنی مدر میخواست تن به دیکتاتوری و استبداد آیت الله خمینی بدهد، امروز هنوز رئیس جمهور بود."

این "توافق" بر سر "دمکراسی" امروز کینه ما هیت خط مشی سیاسی سازمان مجاهدین را آشکار میسازد که بر پیمان نامه میثاق جمهوری اسلامی ایران (به قلم بنی صدر) استوار گشته است.

دمکراسی، این کلمه از جمله کلمات و عباراتی است که در تاریخ مورد سوء استفاده فراوان قرار گرفته است و طبقات و نیروهای اجتناب نمیکنند از استفاده بکرات آن را به پیشانی برای استتار خط مشی و منافع طبقاتی خویش تبدیل نموده اند. همچنین کلمه‌هایی مانند استقلال، آزادی، استقلال، جمعیت، سوسیالیسم،... چنین بزه و چنین میسازند.

در تاریخ گمانی ما نیستی بر جلاکسورن پاریس را می‌شناسیم که در انقلاب فوریه فرانسه پس از برآمدن انقلاب خلق، خود را طرفداران انقلاب نامید و گفت که "من متعلق به حزب انقلابم". در تاریخ نمونه سوسیالیست دیکرات‌ها نمی‌چون شاگردان و نوکران را می‌شناسیم که خود را "سوسیالیست" مینامیدند. اما در آلمان ۱۹۲۰ بیسی از ۱۵۰۰۰ نفر از کمونیست‌ها و کارگران انقلابی را قتل عام نمودند.

در تاریخ بیسارک را می‌شناسیم که کسه بنا بنده بورژوازی بزرگ سلطنت طلب بود، اما خود را "سوسیالیست" میخواند، و با دولتی کردن پیشانی مهمی از اقتصاد سرمایه‌داری آلمان نظام خویش را "سوسیالیستی" اطلاق میکرد. در تاریخ معا بر نمونه کشورهای "اروپای آزاد" و "آریکسای آزاد" را می‌شناسیم که دماز "دمکراسی" میزنند، اما این "دمکراسی" تنها روستای پیوسیده و برپسندده ارتجاع امپریالیستی است که سر سرجه‌بان را به زیر نگین غارت و جپاول اقتصادی وستم سیاسی گماشته است و... اما لازم نیست که به تاریخ رجوع نمودن واقعیت فوق را آشکار ساخت. در همین تاریخ دوما کشوربان و هم اکنون میتوان به اندازه‌گانی به مثال‌های مستند و روشن گفتیم که فراوان استناد کرد. همین رژیم

زنند، و در همین حال همان شکاری که هیات حاکمه، یعنی دشمن گنویسی بنی مدرسازمان مجاهدین، شیز در زیر آن سینه سیزند و آن را به شمسار اساسی حکومت خویش تبدیل نموده است. پس گره کار در کجا است؟ چگونه میتوان از در هم ریختن ملایک‌ها و معیارها جلوگیری نمود؟ چگونه میتوان مفهوم واقعی عبارت "کلمات آشکارا خت؟ مسئله اینست:

است که یک حزب و نیروی سیاسی (و اینها یک شخصیت مترم و متعهد) را نه از روی گفتار و بلکه از روی کردار واقعی اش میتوان و میبایست شناخت. معنای واقعی کلمات و گفتارهای یک حزب و یا رهبر سیاسی را حتی اگر زیبا ترین کلام هم باشد تنها با عروفا اعمال و کردار گذشتی و حال وی میتوان هجی کرد و معنای واقعی اش را دریافت: "برای آنکه بتوان به ما هیت مبارزه حزبی پی بردن با بدبختی را برداشت و بلکه با بدتاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود. این بررسی نباید آنقدرها پیرامون آنچه چیزی باشد که خود احزاب در باره خود میگویند، بلکه باید در اطراف آنچه چیزی باشد که این احزاب بدان عمل میکنند، و نیز در اطراف این باشد که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل میکنند و در موردی که پای منافع حیاتی طبقات مختلف جامعه یعنی ملایکین بر ما یهداران، دهقانان، کارگران و غیره به بیسارن می‌آید، چگونه رفتار می‌نمایند.

(لنین - احزاب سیاسی در روسیه) میثاق نامه‌ای که با یه اختلاف مجاهدین و لیبرالها، قرار گرفته است، صرف نظر از آنکه در جای خود برد پای منافع و مطالبات بورژوازی لیبرال را در خود دارد، اما یک برگه کاغذ بیشتر نیست که با کلمات زیبا بر آن اهداف و برنا مه‌های زیبا را نقش بسته‌اند.

این همان کلمات و عبارات واقعی

جمهوری اسلامی را نگاه کنید، کمترین کلمه‌ای در میان کلمات فوق می‌توان یافت که رژیم خود را سمبل آن در جهان نداند، طرفدار دواته ترین "انقلاب"‌هاست (انقلاب اسلامی). خود را پیگیرترین رژیم استقلال طلب و خدا مبریا لیست در مقیاس جهانی که میداند، خود را طرفدار پیگیرترین نوع آزادی و دمکراسی (البنده بدون بکار گرفتن این کلمه، چون آن را قریب میدانند) و تازه آنهم آزادی و دمکراسی برای زحمتکشان. البته نوع لیبرالی آن میدانند و اوستا قدرت با تکیه بر همین عبارت پره‌ازبها و انجا مبرخی اقدامات و فریبها، توانست به مدت دو سال نه تنها ذهن بسیاری از کارگران و زحمتکشان را نسبت به ما هیت خویش آشفته سازد، بلکه حتی آذهان بسیاری از نیروهای دیکرات، مسلمان خود را در میان مجاهدین و یانیروهای جنبش کمونیستی را سبز برایشان نماید. بطوریکه تا همین دیروز مجاهدین از "شروعیت" رژیم سخن میگفتند و آیت الله خمینی را به "انقلاب" و "اسلام" و "آزادی" قسم میدادند. آری کلمات همواره مورد سوء استفاده فراوان قرار گرفته‌اند، و اکنون آقای رجوی با اظهار "توافق" سازمان خویش با بنی مدر و بنی صدر هسای طرفدار "دمکراسی" و بنی گفتیم که "استبداد خمینی" با به پیشترین و عظیمترین سوء استفاده را از این کلمه فراهم میسازد.

البته بنی صدر خود در میثاق از توافق بر سر این نکته ترا تر فرستاده است: "استقلال" را هم و میسازند "نکته" و با به نامی این "توافقات" اعلام کرده است و بدین ترتیب شمار "استقلال" آزادی، جمهوری اسلامی" را کارپایه‌ای دواته اختلاف کلیساست نیروهای مختلف و متعهد به مسلمان "میثاق" قرار داده است. همان شکاری که اکنون سازمان مجاهدین و بنی صدر متوگانه تحت‌الرای آن سینه می -

زنده بساد سوسیالیسم!

هستند که رهبران کنونی جمهوری اسلامی و منجمه خمینی قبل از قیام به حکم اجبار و فشار انقلاب و وفاداری خود را بدان اعلام کرده بودند. همین خمینی در پاریس اعلام نمود که در جمهوری وی، مارکسیست ها آزادند عقاید خود را بیان کنند و به فعالیت بپردازند. اما تجربه دو سال ونیمه حکومت آنان نشان داد که "مارکسیست" های آزاد در رژیم جمهوری اسلامی "مارکسیست" هایی از نوع حزب بوده و "اکثریت" هستند که قطعا بسا مبارزه طبقاتی، یعنی جوهر اساسی مارکسیسم دشمنی میکنند و آن را به شیوه بورژوازی درک میکنند و عمل نمینمایند. ما هم واقعا "میشاق" نامعنی صدر، که هم اکنون رهبران سازمان مجاهدین بدان توسل جستند، را از روی کردار واقعی وی و دیگر رهبران بورژوا لیبرال، در هر شکل و لباس آن (یعنی سلطنت طلبان و جمهوری خواهان لیبرال) در دوران پیش و پس از قیام میتوان درک نمود. همان کرداری که آقای بنی صدر، در حال حاضر بدان افتخار می نماید و آن را اندحقانیت خویش ساخته است.

بورژوازی لیبرال ایران و در رأس آن شخص بنی صدر مهمترین ویژگی و خصیصه برنامہ خود را "آزادی خواهی" و اعتقاد به "دموکراسی" می دانند و عمدتاً از همین زاویه بود که در گذشته وجه در حال بر جناح دیگر یعنی رهبران کنونی رژیم جمهوری اسلامی میثاق نامعنی بزرگین نکته مورد تاکید فراوان قرار گرفته است بنی صدر در "میشاق" نامه خود می نویسد: "۲- آزادی به مثابه بازتاب استقلال در سیاست داخلی، یعنی توان پذیرش جمهوری اسلامی پذیرفته بود. "و پس شکل دلخواه حکومتی را که میتواند این "آزادی" را تامین نماید، یعنی مضمون "دموکراسی" و به مثابه شکل دولت مورد نظر خود را چنین بیان میکند: "بازگرداندن انقلاب به مسیر خود نه تنها مستلزم پایان بخشیدن به این گونه ولایت و استبدادی است بلکه (چون نظیر این ولایت در ولایت اجزایی که پس از بیروزی باستیل برقرار میکنند نیز وجود دارد) ممنوع ساختن ولایت استبدادی، حزب و جبهه و... را نیز ضروری میگرداند. این جمهوری همانطور که در جریان انقلاب اسلامی و از انقلاب مشروطیت به نحوی استقرار یافته بود، هرگونه ولایتی تنها از طریق آراء عمومی و اراده آزاد مردم کشور قابل اعمال است و پس ("معن کامل میثاق شورای ملی مقاومت")

و قبل از این گفته نیز در توضیح "استبداد شخصی"، انواع آن را در "استبداد دینی"، "استبداد شاهنشاهی" و "استبداد ایدئولوژیک" خلاصه می کنند و آنها را مورد نفی قرار میدهند. این شکل حکومت مورد نظر "میشاق" مطابق مندرجات آن آنگاه موظف به اجرای "آزادی بیان" و "نفوسا نسور" آزادی اصل است. "و... میباشد تا بر اساس آن بتوانند "شعور عمومی" مردم را ارتقا دهند و بدین ترتیب "راه را بر اعمال آمریکا" در ایران بندند. "استقلال" را تا مین نمایسد. این "دموکراسی" به مثابه شکل حکومتی مورد نظر "میشاق" مطابق گفته های رجوی، همان نکته ای است که سازمان مجاهدین را با بنی صدر و "شخصیت" های نظیر ایشان (مثلا امثال سید جوادیه... ب) "توافق" رسانده است و با این ائتلاف آنها را تشکیل داده است.

دموکراسی و آزادی، همان کلمه ای است که در طول تاریخ بیشترین سوء استفاده ها از جانب بورژوازی نسبت به آن صورت گرفته است. بورژوازی همواره کوشیده است که غفلت تاریخی - طبقاتی ایستادن مقوله را استتار نماید و دموکراسی بورژوازی را چیزی ماوراء طبقات و تاریخ، و خواست همه "مردم" جلوه دهد. در دوران اولیه تکوین و رشد سرمایه داری در اروپا، بورژوازی، علیرغم آنکه بلحاظ تاریخی طبقه ای پیشرو و مترقی و از همین زاویه دموکراسی مورد نظرش به نفع تکامل تاریخی و جا معه بود، لیکن همواره تلاش میکرد تا این واقعیت را که "آزادی" و "دموکراسی" مطلبی است بورژوازی، نه تنها استتار و مستحکم طبقه ای را از میان نمیدرود و نه تنها آزادی را برای طبقه کارگر و سایر توده های زحمتکش به ارمغان نمی آورد، بلکه نوع جدیدی از رقابت و بندگی طبقاتی و شکل نوینی از استتار طبقاتی را مستقر میسازد، پوشیده نگه دارد. از آن پس تاکنون یعنی در دوران فعلی، عصاره لیبرالیسم نیز که بورژوازی و دموکراسی آن تاریخا خلعت ارتجاعی یافته است احزاب و رهبران بورژوا همواره از این کلمه به نفع تحکیم پایه های مستطبقاتی بورژوازی و استتار و حشیا نه طبقه کارگر سوء استفاده نموده اند.

لازم نیست به نمونه ها و مثال های تاریخی مراجعه کنیم تا این نکته را روشن سازیم در همین تاریخ چندساله انقلاب ایران، عملگردهای بورژوازی لیبرال، بیروشنی این نکته را آشکار میسازد. در دوران شاه و رهبران و احزاب ضد انقلابی

بورژوازی لیبرال، همچون جبهه ملی نهفت آزادی (که مجاهدین آنها را نیروهای مترقی خوانده می نامید)، خواهان تعدیل دیکتاتور فسرده شاه و مشارکت بیشتر لیبرالها، به همراه نمایندگان سرمایه انحصاری وابسته، در قدرت سیاسی بودند. شعار آنها نیز چیزی جز سلطنت مشروطه نبود. بعدها نیز، اگر تحت فشار جنبش نایبها و به پذیرش جمهوری شدند این تشبیه، نه تنها نشان چرخش لیبرالها نبود، بلکه دقیقاً ناشی از تکامل و فشار جنبش و انقلاب و نشان این بود که بورژوازی لیبرال برای خیانت به انقلاب و به شکست کشاندن آن حتی حاضر است لباس جمهوری خواهی را نیز به تن نماید. مثلاً هر این که جمهوری مورد نظر اینها، هیچ تفاوت مفهومی و اساسی با سلطنت مشروطه آنها نداشت. آنها کماکان تحت پوشش "دموکراسی" و "آزادی" خواهان دیکتاتور طبقه ای بورژوازی، حفظ و بقای سرمایه داری و وابسته و سلطه امپریالیسم بودند.

پس از قیام، و استقرار دولت لیبرال بازرگان، نکته فوق بوضوح روشن گردید و هرگونه توهم از روی "آزادی خواهی" و "ملی بودن" بورژوازی لیبرال در تجربه عملی توده ها زده شد. دولت بازرگان نه تنها بلافاصله به بازسازی مناسبات اقتصادی و سیاسی با امپریالیسم امریکایی پرداخت بلکه برای تحکیم مواضع و استقرار دولت بورژوازی - که در جریان قیام ضربه دیده بود - سرکوب کارگران و زحمتکشان و خلقها را در دستور گذاشت. به شورا های مترقی و واقعی حاصل قیام و مبارزات کارگران در کارخانه ها و موسسات حمله برده سرکوب در کردستان را بی درنگ در دستور کار خود قرار داد و...

بنی صدر نیز که از زیرک ترین رهبران لیبرال بود در دوره دولت موقت با عدم شرکت خود در ارگانهای اجرائی خود را به مثابه یک نیروی ذخیره برای رهبری آینده رژیم بورژوازی در لحظات بحرانی آگاه می ساخت. پس از انتخاب به ریاست جمهوری رژیم، به شکل ظریفتری همان سیاست پیشین را در دستور کار خود قرار داد. او که با شعارهای فرییب کارانه ای از قبیل "آ. د. ی."، "امنیت" و... پای به عرصه میدان گذاشته بود، در فرمت کوتاهی معنای واقعی این کلمات را در عملگردهای خود به نمایش گذاشت. افسانه فریبکارانه "بافنگ بدون بهره" در مدت کوتاهی واقعیت خود را آشکار ساخت. و روشن شد که به نگها به مثابه شریکان حیا نشسته سرمایه داری، بدون بهره، با



موجودیت خود را از دست نخواهند داد و معلوم شد که شعاری که صدر در آن بر آن میان بردن "ربا" و "بهره" جز شعاری کاذب و برای فریب توده ها نبوده است از همین رو این شعار دروغی نیست نیز پس از مدتی مزورانه مسکوت گذاشته شد و با نکها کما کان، همچون گذشته - همچنان که از قبل نیز روشن بود - به حیات انگلی و ننگین خود برای شرکت در استعمار و غارت توده ها توسط امپریالیستها و سرمایه داران ادامه دادند.

بنی صدر، با حمله به شوراهای مترقی، که در کار تمولید سرمایه داری "اخلال" ایجاد نمیکردند و بواسطه رهبری مبارزات کارگران، عیبات سرمایه داری را در معرض خطر قرار میدادند، ماهیت دروغین آزادی - خواهی خود را برملا ساخت. وی تنها آنجا پیش رفت که در مقابل خواست کارگران و دیگرزحمتکشان مبنی بر حفظ شوراها، فریاد برآورد که "شورا پورا مانید".! در دوران زمانه داری وی، رژیم جمهوری اسلامی کما کان، به تعرض خویش به این نهاد های توده ای ادامه دادند و به سرکوب و متلاشی کردن آن پرداختند.

در دوران زمانه داری بنی صدر، تحت رهبری خود و نیز، حمله به کردستان و سرکوب خلق کردستان یافت، بنی صدر برای درهم شکستن مقاومت توده های کرد، که مسلحانه از دستاوردهای خود دفاع میکردند، به سربازان ارتش فرمان داد که تا "بیرون کردن ضد انقلابیون پوتین" ها را از ایران برنیاورند" (نقل به معنی از گفته بنی صدر در آن موقع) در دوره ریاست جمهوری وی، کردستان صحنه وسیع ترین و بزرگترین نبردهای میان انقلاب و ضد انقلاب ها گم و نیز فجیع ترین کشتارها و قتل عام ها بود.

بنی صدر همان بود که پس از ترور فجیع رهبران انقلابی خلق ترکمن، بیشتر مانده اظهار داشت که "اگر من رئیس دادگاه بودم آنها را محاکمه و به اعدام محکوم میکردم". (نقل به معنی از گفته های وی در آن زمان) بنی صدر کسی بود که در دوره زمانه داری وی، بسیاری از ملیو عات نیروهای مترقی مورد حمله قرار گرفته و توقیف شدند، دهها نفر از هواداران نیروهای انقلابی و کمونیست و منحل شده سازمان سبک دست جلادان رژیم اعدام شدند، آنهم به جرم وفاداری به آرمان زحمتکشان اما بنی صدر در قبال همه آنها بیجا موضع تاشید آ میزد داشت و با مزورانه برای مطهرنگاه داشتن خود (پس از او حکمیری تضادهای درون رژیم) و

فریب توده ها سکوت اختیار نمیکرد.

آری این است کارنامه بنی صدر در دوران زمانه داری وی، و معنای دموکراسی و آزادیخواهی نیست. کارنامه کسی که اکنون مزورانه دم از دموکراسی و آزادی، آزادی بیان، لغو سانسور، آزادی احزاب، ضرورت وجود شوراها، آزادی اقوام، و... میزند و به "استبداد" حمله مینماید. بنی صدر هم اکنون این کارنامه سیاه را با افتخار و سفاکی در پیش میداند. زهی بیخوشی و تاجوت آنچه که رهبران دوران بنی صدر و بویژه بنی صدر را هم اکنون به چنین مرتفعگیری و تاشید لشکر انقلاب و کشته ها است، نه دفاع از منافع زحمتکشان و دموکراسی انقلابی بلکه ضرورت ایجاد انجمن تاشی از حکومت است که بتواند نظام حاکم را از خطر انقلاب، محفوظ دارد و پاپیه های آن را در فریب توده ترین پوششها محفوظ نگاه دارد. مخالفت بنی صدر با استبداد دخیمنی و ولایت فقیه و... پیش از هر چیز مانعی از آن است که او این استبداد در شکل عربان و عقب مانده اعمال حکومت را عاقلی جهت دوران و خیزش مردم انقلاب و در خطر قرار گرفتن مایات کل نظام، میداند و از این خطر است که او این چنین هراسان است بهیچوجه نیست که بنی صدر تا آخرین لحظه و برش قطعی از ارتجاع حزبی، بد آنان هشدار میداند که در چاهی که کهنه ها پدید خود فرو خواهند افتاد. لیکن حزب جمهوری آنقدر کردن بود که به نسخه های دوره اندیشانه بنی صدر برای حفظ نظام ها گم و تاشی آنها دو را با ترک چکمه پا از حکومت رانده و از آن پس بود که بنی صدر راه به اصطلاح "انقلابی گری" را در پیش گرفت و خواهان از میان رفتن "استبداد شخصی آیت الله خمینی، یعنی کسی که تا دیروز و آخرین لحظات پیکاری را اش خود را "مرید وی میخواند، گردید.

آری دوستان مجاهد، آقاسای رجوی، این است مصون و محتسب و ای واقعی "دموکراسی" مورد نظر سربورژوازی لیبرال و دشمن بنی صدر، این چیزی است که شما با اختلاف خود بر آن پرده سائرمی افکنید و در غم شده ها را خوش میگویند. لازم نیست که در یک بحث تشریحی این مسئله را روشن کرد که دشمن واقعی طبقاتی شما را و مطالبات بنی صدر و امثالهم چه میباید شد یک نظر کوتاه به همین کارنامه حکومتی وی و یک جستجوی ساده در لایه لایه سطور "میشستاق" و انطباق شعارهای فریب توده آن با این کارنامه - کارنامه ای که بنی صدر در همین "میشتا" کارنامه بنی صدر

بقیه از صفحه ۴ منتظران ۵۵۵

این است نتیجه بستن شیر نفت به روی امپریالیستها در زمان شما که شما حالا به آن توهین میکنید؟ غرضی میگوید "من کی این حرف را زدم؟ توهین کردم؟" و آن شخصی میگوید: "شما خودتان الان به اعتصاب کارکنان نفت در آن موقع توهین کردید اگر قبول ندارید بنویسید که صداقتان را ضبط میکنید بگردانید و بشنوید. غرضی میگوید "تو اقا بنشین آقا و تشنج در سالن بالا میگیرد. با سدارها به تکا پومی - افتند و غرضی میگوید: "این مردک احمق کیه که این حرف را میزند؟" بعد از این جریان غرضی اشاره می کند که از کلیه حقوقها ۱۰ درصد کم خواهد کرد زیرا دولت ۸۰ درصد بودجه اش صرف حقوق بگیران می شود و ۲۰ درصد آن فقط صرف کارهای عمرانی و... در این موقع عمده ای دیگر از کارکنان حاضر در سالن مشت های خود را بالا میبرند (بسته علامت اجازه صحبت خواهند است) یا سداران به این شده میگویند: "لطفا منت با لا نبرید دستها را باز بالا ببرید" یکی از حاضرین خطاب به غرضی میگوید: "قای غرضی بجای کم کردن حقوق ما بروی سداران سرمایه گردن کلفتها و سرمایه داران از ایشان بگریزید" جلسه با گذردن کلفتی های غرضی پایان گرفت. اکثر کارکنان از نحوه برخورد غرضی ناراحت بودند و با دلخوری و بیچ سالن را ترک گفتند.

خبر دیگری حاکی از اینست که بدستور رئیس پالایشگاه و غرضی ۵٪ از حق شیفت کارکنان شیفتی کم گردیده است و از حقوق کلیه کارکنان پالایشگاه هم ۵٪ کم خواهد شد.

افتخار می نماید، عیبتوانند این واقعیت را روشن سازد. بنا بر این روشن است آنچه ی که به زعم آقای رجوی مورد توافقی سازمان مجاهدین و بنی صدر قرار گرفته است، نه دموکراسی انقلابی بلکه دموکراسی ضد انقلابی بورژوازی لیبرال است که مجاهدین عملا زیر پرچم آن خزیده اند.

اما معنای دموکراسی انقلابی، از نقطه نظر پرولتاریا چیست و چگونه فرقی میان آن با دموکراسی بورژوازی لیبرال وجود دارد؟ این مسئله را در دنیا له مطلب در شماره آینده مورد بررسی قرار خواهد داد و مسئله تشریحی را که بر سر مسئله دموکراسی توسط مجاهدین صورت میگیرد در بیشتر نشان خواهد دید. ادامها را

# درباره شعارها

## رفقا، اعضا و هواداران!

- ۱ - مکتب خمینی، همان مکتب شاه و همان مکتب هی特拉 است!
- ۲ - رژیم جمهوری اسلامی، رژیم ترور و تیرباران، رژیم سرما به و ستم!
- ۳ - سران جنایتکار رژیم ستم‌گرم حیانت و کشتار در ده‌دگانه خلقی محاکمه یا بدگردند!
- ۴ - ننگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عامل کشتار رنده‌ها، کهنسبست و انقلابی!
- ۵ - دادگاه‌های فاشیستی حکومت خمینی نابود یا بدگردند!
- ۶ - رژیم جمهوری اسلامی، حامی سرها به دار، دشمن زحمتکشان!
- ۷ - زندانی سیاسی بهمت توده‌ها آزاد یا بدگردند!
- ۸ - نان، مسکن، آزادی!
- ۹ - مزدوران و جاسوسان رژیم را در هرکوی و برزن مناسانی و رسوا کنید!
- ۱۰ - انجمن اسلامی، این لاشه‌ها سوسی نابود یا بدگردند، شوراها و واقتی ایجاد یا بدگردند!
- ۱۱ - کارخانه، مدرسه، اداره و روستای خود را به کانون مقاومت و مبارزه علیه رژیم تبدیل کنید!
- ۱۲ - کارگران در برابر توطئه اخراج دستجمعی از کارخانه‌ها بسمه مقاومت برخیزیم!
- ۱۳ - در اشتراک با دیرجم‌مقاومت توده‌ها علیه رژیم جمهوری اسلامی!
- ۱۴ - زنده باد مبارزات کارگران قهرمان ایران علیه رژیم جمهوری اسلامی!
- ۱۵ - کارگران جهان متحد شوید!
- ۱۶ - حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست!
- ۱۷ - مبارزه با امپریالیسم جدید از مبارزه با ارتجاع داخلی نیست!
- ۱۸ - رویزیونیسم را در هرپوششی افشا و طردنماشیم!
- ۱۹ - سرنگون با در رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی!
- ۲۰ - برقرار یا جمهوری دمکراتیک خلق!
- ۲۱ - زنده باد سوسیالیسم!

رژیم منفور جمهوری اسلامی از آگاه‌های انقلابی می‌هراسد، زیرا میدانند در صورتیکه کارگران و زحمتکشان ایران آگاه گردند و به ما هست ارتجاعی حکومت سرما به - داری حاکمی بپسندند، دیگر جایزه نخواهند داد تا جلادان تروریست و سرما به داران خونخوار بر آنسان ها کمیت داشته باشند. به همین خاطر رژیم جلاد جمهوری اسلامی مدبر چنانسه میکوشد تا با دیکتاتورسی سیاه و جنایتکارانه خود کمونیست‌ها و انقلابیون را نابود کرده و از تبلیغات انقلابی و آگاه‌گرانه آنان جلوگیری بعمل آورد. اما رژیم جلاد خمینی این هدف ارتجاعی را با بدبا خود به‌گور ببرد. کمونیست‌ها و انقلابیون از برای نمیشینند. آنان شجاعانه و بسا قدرت تمام در جهت آگاه‌ساختن توده‌ها فعالیت میکنند و انقلاب را تدارک می‌پسینند.

رفقا! برای آنکه بتوانیم تبلیغات ضد انقلابی رژیم را در میان توده‌ها هرچه بیشتر افشا نمائیم و برای آنکه بتوانیم ما هست ارتجاعی آنرا در پیشگاه کارگران و زحمتکشان ایران بیش از هر زمان دیگر رسوا سازیم، میبایست فعالیت تبلیغاتی خود را بطور بیسابقه‌ای گسترش دهیم. در این رابطه بخش مرتب و بی‌گیرانه نشریه "بیکار" و تکثیر مجدد آن و مقالات آن از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار میباید. علاوه بر نشریه، هر روزی دیوارها و هر آن کجا که امکان دارد در خدمت آگاه‌سازی توده‌ها ستامر بسیار مهمی بشمار می‌آید. رفقا! میبایست با شعارهای انقلابی خود کارخانه و اداره، کویچه و بازار و خلاصه درود دیوار شهر را آدین بس و بدین ترتیب برده‌ها را یار و گویسان رژیم و دستگا‌های تبلیغاتی آن مشت محکمی کوبید.

- این شعارها عیار رتنداز:
- ۱ - مرگ بر خمینی جلاد!
- ۲ - مرگ بر خمینی! اما ما تا زنده و دارا!

بقیه از صفحه ۱۵ رفیق‌ها

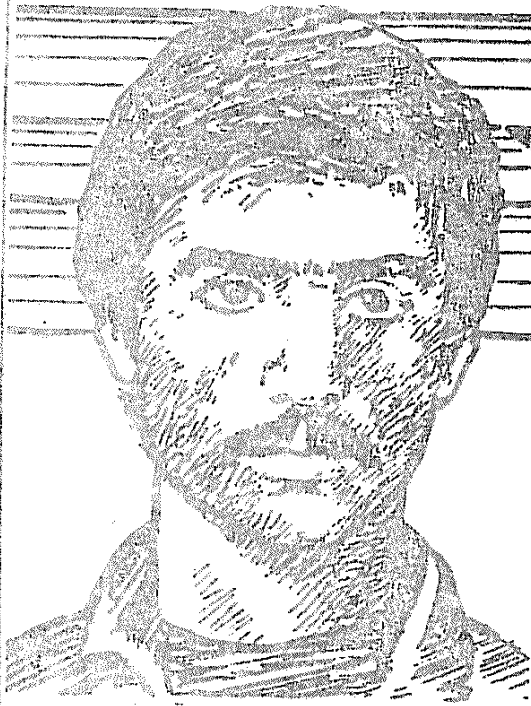
بارها از طرف پیاداران کمزور سرما به دستگیر شد. یکی از این دستگیریه‌ها در رابطه با تصرف خوابگاه‌های دانشجویی بود که رفیق هم‌سراه ما بی‌وقفگی دستگیر شد و برای ۴ روز از انگشت رفیق در بسیاری از محلات کارگرنشینی تهران از جمله خاک سفید به فعالیت سیاسی و آگاه‌نمودن توده‌ها پرداخت. رفیق محضی با بسیاری از کارگران کردار تباط داشت و همواره آرزو داشت که در کردستان در صفوف خلق مبارزه کرده اما مگر مبارزه خود بر علیه فقر و ستم سرما به - داری بپردازد اما ارتجاع این فرصت را به او نداد و همواره در جمع آوری کمک از رفقا و دوستان برای کومه له و خلق رزمنده کسرد کوشا بود. رفیق قدرت بسیاری نیز در انتقال آگاه‌های سیاسی و آموزش کارگران و زحمتکشان داشت. رفقای کارگر که در ارتباط با رفیق محضی - ل را شناختند، بخوبی از این قدرت وی آگاه‌اند. در جریان مبارزه با دولت و "وحدت انقلابی رفیق بطرف" "ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر" دستگیری نمود و با آن مشغول فعالیت شد. در ادامه مبارزاتش در ۱۹ تیرماه توسط مزدوران رژیم دستگیر و در سحرگاه ۲۱ تیرماه ۶۰ پس از ۱۲ روز دستگیری به همسراه ۱۵ رفیق هم‌رزمش به اتهام دفاع از آرمان طبقه کارگر به حوخته عدم سپرده شد و قلب سرخ و پرخروش از تیش ایستاد با آتش گلوله دشمن، با آتش دژ خیمان و جلادان جمهوری اسلامی، قلب پراکنده اش نسبت به پیاداران ظلم و سرما به‌ویز از تنق نسبت به رهاشی کارگران و زحمتکشان از حرکت ایستاد و لسی هدفت که برقراری سوسیالیسم، راهش که آگاه‌های توده‌ها و سلاخت که ما را کسبیم - لنیسم بود، همواره رنده است. وفردا که توده‌ها به ما هست سرما به‌دارانه و حنا بست - کارانه جمهوری اسلامی بی‌برندند و فهمیدند که تنها راه نجات سوسیالیسم از راه برقراری جمهوری انقلابی دموکراتیک کارگران و زحمتکشان است، نیروی آنها تبدیل به میلی خواهد شد که نه تنها جمهوری اسلامی بلکه هر رژیم سرما به‌داری را برای همیشه ارجا خواهد کرد. به حور پاک و سرخس سوگند باد میکسم که تنها رسیدن به هدف ما رهاشی کارگران و زحمتکشان از ستم سرما به‌داری

دموکراتیک کارگران و زحمتکشان اینسران زنده باد سوسیالیسم جمعی از هم‌زمان و همسران

سوسیالیسم یک لحظه از برای ننشینیم ننگ و نفرت بر دژ خیمان جمهوری اسلامی برقرار یا جمهوری انقلابی

# درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق





# رفیق شهید مجتبی زرگری:

## پاسداری که باید پیرش

## مارکسیسم - لنینیسم

## به سازمان پیکار پیوست

کارگران! زحمتکشان! متنی که در زیر میخوانید، به وسیله همزمان و همسنگران رفیق مجتبی تهیه شده و در منطقه خاک سفید بخش گردیده است:

### کارگران و زحمتکشان خاک سفید!

# پیاپی زید و پده اعدام و خشیا ندر هبران کمونئیست و انقلابی خود اعتراض کنید!

همه دردها و بدبختیهای زندگی خود را طراغیانش بود می برد، بیسنگ و بیخون از مبارزه بی امان خود بر علیه آن دیکتاتوریت داشت. رفیق در سال ۵۵ در بندرعباس عالی پلزرگان قبول شد و همراه با آقا زینش انقلابی مردم، هبران در سال ۵۷ فعالیتها در تظاهرات، اعتصابات و اعتراضات توده ای شرکت نمود. در سال ۵۷ به علت داشتن عقاید مذهبی شور و شوق انقلابی بد پاسداری پرداخته اما کینه طبقاتی وی به نظر سرمایه داری باعث شد که خیلی رودسته ما هیت سرکوبگر سرمایه داران این مزدوران سرمایه بی پیسود، شبها بر روی دیوارها به نوشتن شعارهای انقلابی و بخش اعلامیه های کمونیست پرداخته و با لایحه از آنها بیرون آمد. در دانشکده در سال ۵۸ در رابطه با رفتارهای همزمانی ما مارکسیسم - لنینیسم آشنا شد و او را به عنوان علم رهایی طبقه کارگر پذیرفته و چراغ راه مبارزات خود قرار داد. رفیق در این سال مسافر دانشجویان مبارزان تشکله همگاری میکرد و در اردیبهشت ۵۹ با تسکین وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر شروع به فعالیت نمود و از آنجا که پی گیری در راه رسیدن به هدف دارای خصایصی توده ای و صمیمی و عشق عمیق به کارگران و زحمتکشان بود، خیلی سریع از افراد فعال تشکلات شد. رفیق مجتبی

این دلیل رهبران تمام کناش را که به شما این آگاهی را می دهد، تیرباران میکنند. یکی از مبارزان را که بسیاری از شما با چهره صمیمی اش آشنا هستید و شما هدیرخسی از فعالیت ها پیش بودید - رفیق مجتبی زرگری است. این رفیق کمونیست زندگی را در راه آگاهی و برپائی کارگران و زحمتکشان از بنم ظلم و جور و سرمایه گذاشت و به همین دلیل پاسداران سرمایه بیکردست و چشم بسته اش را به رگبار بستند و افتخار بر او همزمانی! رفیق در سال ۱۳۳۷ در یکی از شهرهای آذربایجان در یک جنگ خانوداه زحمتکش دنیا آمد. دوران تحصیل ابتدائی خود را در همانجا گذراند و به همراه خانواده خود برای ادامه تحصیل به تهران آمد. رفیق از همان کودکی با پوست و گوشت خود با زندگی پر از رنج کارگران و زحمتکشان آشنا و در میان آنان بزرگ شد. همین زندگی و آشنائی با دردها ورنجهای طبقه کارگر رفیق را از خصلتهای توده ای دربرخورد به آنان بر خوردار نمود، زیرا که او در میان آنان زیسته و با آنان بزرگ شده بود. به همین دلیل او همواره بدنیال علت و ریشه اش را بدبختیها بردتا با آن به مبارزه بر - خیزد و زمانی که به این ریشه ها یعنی نظام سرمایه داری که عامل

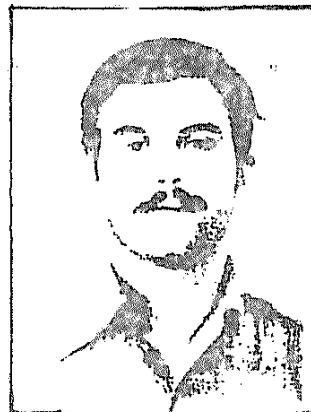
روزی نیست که رژیم جمهوری اسلامی خیرتیرباران فرزندان کمونیست و انقلابی شما را در میدان های تیروزندانها پیش نهد. هیچ از خود پرسیده اید چرا؟ چرا قلب سرخ کمونیستها و دیگران انقلابیون است که به وسیله گلوله های رژیم سوراخ میشود و چون کمونیستها اعمال جنایت کارانه کشتار و مبارزان مزدوران جمهوری اسلامی را در کردستان، ترکمن صحرا، دانشگاه - ها افشا میکنند، چون کمونیست - ها ما هیت سرمایه داران رژیم را برای شافشا نموده اند. سودهای ۱/۲ میلیونی سرمایه دارانش را فشا کرده، به خون کشیدن کارگران پیکار را مشهان، درود، کشتار کارگران شهرک صنعتی البرز و... را افشا نموده. چون کمونیستها به شما کارگران و زحمتکشان میگویند شما با پدمتدومتشکل شوید و نظام سرمایه داری را از بین ببرید. فقر فلاکت، بی خانمانی، بی مسکنی، بیکاری فقط وقتی از بین میرود که نظام سرمایه داری از بین برود. چون کمونیستها به شما میگویند که پیروزی شما فقط و فقط در سر - انداختن نظام سرمایه داری و قدیم نهادن سوی سوسیالیسم امکان پذیر است.

رژیم جمهوری اسلامی از نیروی آگاهی و اتحاد شما می هراسد و به

## تنگ و نفرت بر رژیم جمهوری اسلامی، عامل کشتار تصدها

## کمونئیست و انقلابی!

# رفیق مجید رضا خسروی، ستاره سرخی دیگر



## کاروان سرخ صدها شهید کمونیست و انقلابی، ناقوس مرگ رژیم را می نوازد



حما مخرنی کدر زیم سر مایه داری  
و ایستاد ایران سراها نداخته همچنان  
دایر اسب و خمینی این خاک زشت  
زمان ما، هر با مدادان ازل و مفرز  
جوانان انقلابی و کمونیست خوراک  
می طلبید! این زلوی خو بخوار  
ارتجاع را سیری در کار نیست و تنها  
خاک کور میتوانند ارتجاع خرخم خورده  
حاکم را از خونخواری بازدارد. حدود  
هزار شهید انقلابی و کمونیست طی  
دوماه! این رکورد جاسات و ننگ  
تاریخی را کمترین رژیم ضد خلقی  
شکسته است. خمینی با هیچ حیل و  
ترفندی دستان خون آلودش را  
نمی تواند بشوید تا ما و در بنا ریج  
ایران بشویم یکی از زما مداران  
خونخوار رژیمش بدست رسیده است  
اوبه ناسودی سبب انقلاب کمونیست  
است ولی از هر قطره خون شهیدان  
کمونیست و انقلابی پر جمی سرخ قد  
سرمی افراز دودر جا ده پیرمخا طبره  
سرخ سیروزی رهروان شیما راه  
رها سی کارگران و زحمتکشان را  
بسوی قتلگاه سناک عوسا لیسیم  
هدا یست میکند. هر قطره خون شهیدان  
ما میخی دیگر بر تابوت ارتجاع  
و امپریالیسم منگوبند و وطن آن مرگ  
دشمنان خلقی را صلا میدهد.

در این شماره رفیق دیگر،  
کمونیستی بی رنلاش و بی کارگر را که  
جان در راه آزادی طبقه کارگر نهاد  
معرفی میکنیم. کارگران و زحمتکشان  
این یازان باوقای خود را همواره  
در قلب خویش رسده نگاه خواهند  
داشت.

رفیق رضا مجید خسروی (سادر) که

ایمان به مبارزه طبقاتی و ایشار  
در راه زحمتکشان را با تمام وجودش  
آگاهانه پذیرفته بود و وظیفه اساسی  
و مبرم هر کمونیست را فعال لیست  
انقلابی در بین کارگران و زحمت -  
کشان ایران دانسته بی از مدتی  
کمتر از دو سال و همزمان با او -  
گیری جنبشی تواننده خلقهای دلیرمان  
به ایران بازگشت و وارد دانشکده  
فنی شد در ابتدا، رفیق با وجودیکه  
از تجربه مبارزاتی کمی در رابطه  
با طبقه کارگر برخوردار نبود ولی با  
انرژی و پشتکار فراوان و با شور  
قبه در صفحه ۱۸

۳۱ بهار از عمر خویش را بسبب سرکندارده  
بود در سال ۲۹ مسئول شد. و از استعداد  
و هوش فراوانی برخوردار بود و در  
۱۵ سالگی موفق شد به ارتبه اول  
دوره دبیرستان را بپایان رساند.  
او برای ادامه تحصیل به آمریکا  
رفت و از همان ابتدا در رابطه با  
مسارزات دانشجویان ایرانی  
خارج از کشور قرار گرفته است  
فعالیتی مستمر بر ضرر رژیم و استبداد  
به امپریالیسم شاه خائن در صوف  
کنفدراسیون جهانی دانشجویان  
پیرداخت. اما او که از همان ابتدا

### برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق